

## یادداشت سیاسی

— مهدی سامع

mehdi\_samee@yahoo.com

رویدادهایی که در ماه گذشته در میهن ما اتفاق افتاد، آن چنان عمق و وسعت داشت که همه را به نوعی تحت تأثیر قرار داد. این رویدادها را تنها می توان بر بستر تحولات گسترده اجتماعی در دوران بحران انقلابی توضیح داد، که در یکی از حساس ترین مراحل رشد و تکامل مبارزه زنان و مردان کشور ما اتفاق افتاد. بدون تردید بنای نظام استبدادی حاکم بر کشور ما را چنان لرزانده که ولی فقیه نظام مجبور شد چند بار به صحنه آید و در هم ریختگی ولایتش را با عوامفریبی لاپوشانی کند. خبرگزاری فرانسه در روز ۲۰ تیر اوضاع رژیم را این گونه توصیف کرد: «رژیم ایران در حال سقوط به سمت عمیق ترین بحران خود از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می باشد.» ۵ روز بعد از این اظهار نظر کارگران استان تهران و بعضی از شهرهای دیگر، دست به یک نمایش بزرگ قدرت زدند که علیرغم تلاش دوم خردادیها برای کنترل آن، به یک تظاهرات بزرگ سیاسی تبدیل شد و روزنامه کار و کارگر روز بعد نوشت که کارگران شعار می دادند «کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد» و «این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است».

از همان هنگام که به دلایل مختلف و منجمله به دلیل ترس از حرکت کارگران، قانون کار فعلی علیرغم مخالفت شورای نگهبان، در مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید، بعضی از شناخته شده ترین چهره های جمعیت مؤتلفه اسلامی مثل خاموشی و دیگر گروهها و دسته بندیهای وابسته به بازار و ولی فقیه، مخالفت با این قانون را به دلیل ماده مربوط به نحوه اخراج کارگران شروع کردند. اکنون دولت خاتمی و مجلس دوم خردادیها درصددند تا این کام را به سود سرمایه داران و علیه کارگران بردارند. اما کارگران آگاه و مبارز کشور ما گرچه به خوبی می دانند که این قانون کار هرگز بیان کننده منافع واقعی آنان نیست، اما به شدت با تغییر آن به سود سرمایه داران نیز مخالفت می کنند و تظاهرات کارگران در روز ۲۵ تیر به همین منظور برگزار شد و کارگران آگاهانه و با شعارهای سیاسی خود هم سیاست ضد کارگری دولت خاتمی را افشاء کردند و هم مشت ولی فقیه نظام را که با شارلاتان بازاری و عوامفریبی درصدد است خود را مدافع طبقات محروم نشان دهد باز کردند. بدون شک تظاهرات بزرگ کارگران نقش مهمی در سیر رویدادای آتی بازی خواهد کرد. البته در ماه گذشته دهها حرکت اعتراضی دیگر کارگری وجود داشت که برخی از مهمترین آنها در بخش اخبار کارگری نبرد خلق انعکاس یافته است.

بقیه در صفحه ۲

## رژیم ایران در حال سقوط به سمت عمیق ترین بحران خود می باشد.

خبرگزاری فرانسه ۲۰ تیر ۱۳۸۱

## این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است

از شعارهای تظاهرات کارگران در تهران روزنامه کار و کارگر ۲۶ تیر ۱۳۸۱

## تجمع و تظاهرات پر شکوه بیش از ۹۰ هزار تن از کارگران

## تجمع غیر قانونی گروهی از اراذل و اوباش در خیابان انقلاب، دیروز با دخالت مردم و نیروی انتظامی و بازداشت تعدادی از آشوب طلبان پایان یافت.

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ تیر ۱۳۸۱ در صفحه ۷

## نیازی به نگرانی بیشتر برای سرنوشت این مملکت نیست،

## چرا که از سیاهی بالاتر رنگی نیست.

از نامه عباس عبدی به محمد خاتمی نوروژ ۲۰ تیر ۱۳۸۱

## جنبش دانشجویی

## درد بر زنان و مردانی که با دلاوری یاد قیام ۱۸ تیر را گرامی داشتند

در صفحه ۸

## بیانیه به مناسبت سالگرد تاسیس شورای ملی مقاومت ایران

به مناسبت بیست و یکمین سالگرد تاسیس شورای ملی مقاومت ایران که مصادف با

پنجاهمین سالروز قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بازگشت دکتر مصدق به قدرت است،

شورای ملی مقاومت ایران بیانیه مهمی منتشر نمود.

متن کامل این بیانیه در شماره آینده به چاپ خواهد رسید.

## سرمقاله

## آوردگاه در بارگه ولایت

در صفحه ۳

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

یک هفته قبل از تظاهرات کارگران، دانشجویان و جوانان ایران زمین، به مناسبت سومین سالگرد حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به کوی دانشگاه دست به یک تظاهرات گسترده در مقابل دانشگاه تهران و بعضی از نقاط دیگر شهر تهران و تعدادی از شهرهای بزرگ زدند. در روز ۱۸ تیر، نیز زنان و مردان کشور ما علیرغم فضای سرکوبگری و حکومت نظامی اعلام نشده با جسارت به پا خاستند و فریاد آزادی سر دادند. تظاهرات دانشجویان و جوانان کشور ما در روز ۱۸ تیر امسال که به گفته خبرگزاری فرانسه تعداد آنان فقط در اطراف دانشگاه حدود ۵ تا ۶ هزار نفر بوده و با اختساب تظاهرات پراکنده در بعضی نقطه دیگر شهر تهران و تعدادی دیگر از شهرهای بزرگ ایران و منجمه اصفهان، که دهها هزار تن بوده است را باید تظاهرات نیروهای فعال اجتماعی طرفدار سرنوشتی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی کرد که تحت سخت‌ترین شرایط به چنین اقدام قهرمانانه‌ای مبادرت ورزیدند. کیهان، روزنامه بازجوهای طرفدار سعید امامی روز بعد از این تظاهرات با حماقت، تظاهرات جوانان در اصفهان را تظاهرات «پچه ماهواره‌ای»ها که «بیش از صد نفر» نبوده‌اند اعلام کرد و این در حالی است که یک مقام امنیتی استاندار اصفهان اعلام نموده که در تظاهرات ۱۸ تیر در اصفهان «۹۴ نفر دستگیر شده‌اند».

تظاهرات دانشجویان، جوانان، کارگران و زنان و مردانی که در مقابل استبداد حاکم راه مبارزه برای آزادی را برگزیده‌اند، جبهه همبستگی ایرانیان برای سرنوشتی رژیم ولایت فقیه را بیش از پیش مستحکم نمود و بدون شک باید شاهد تاثیر آن در پروسه رشد جنبش مقاومت مردم ایران در آینده باشیم. صفوف مقاومت علیه استبداد هر روز مستحکم تر می‌شود و عوامفریبیها برای دامن زدن به توهم اصلاح‌پذیری رژیم به کلی رنگ می‌بازد. حرفهای هاشم آقاجری، نامه سرگشاده عباس عدی به خاتمی و توضیحات عدی او، استعفاء نامه آیت‌الله طاهری، اظهار نظر قاسم شعله‌سعدی و نیز سرگشتگی خاتمی و عربده کشی میان تهی خاتمی و تهدید آمریکا به عملیات تروریستی توسط رفسنجانی، در یک مجموعه واحد و به هم پیوسته نشان

دهنده بحران و بن بست است که جمهوری اسلامی در آن غوطه‌ور است. در این میان بدون شک استعفاءنامه آیت‌الله طاهری که یکی از نزدیکترین یاران خمینی می‌باشد، و حرفهایی که در این استعفاءنامه مطرح شده گویای موقعیت بحرانی رژیم و انعکاسی از خشم و نفرت مردم ایران از این نظام استبدادی است. این نامه که تاریخ آن ۱۷ تیر است و در روز ۱۸ تیر انعکاس علنی پیدا کرد. آیت‌الله طاهری که بسیاری از بی رحمتترین بازجوها و فرماندهان سپاه و بسیاری از گردانندگان دستگاه حکومتی از مریدان و دست‌پرورده‌های وی بوده یا هستند، در استعفاءنامه خود دستگاه حکومتی و کارگزاران اصلی آن و منجمه ولی فقیه را با کلماتی همچون «فاشیستهای که معجونی از جهل و جنونند»، «عده‌ای چماق به دوش»، «عمله استبداد»، «شعبان بی مخهای وحشت»، «رجاله‌ها»، که کارشان «لاف زدن»، «گراف گفتن و تزویر نمودن» است و «اهرمهای مطلقه نامنتاهای و مادام‌العمر» را در اختیار دارند و «رانت‌خوری، یغماگری، فراری دادن مغزها و بگیر و ببندها و باب شدن چنگیزی و مردم ستیزی» کار اصلی آنان است، نامیده است.

به دنبال انتشار این استعفاءنامه که روزنامه رسالت به درستی آن را یک «کیفرخواست» نامید، دبیرخانه شورای عالی امنیت رژیم در آخرین دقایق روز چهارشنبه ۱۹ تیر رسانه‌ها را از هر گونه اظهار نظر «له یا علیه» طاهری منع کرد. شورای عالی امنیت رژیم فکر می‌کرد می‌تواند با این دستورالعمل موضوع را با سکوت به فراموشی سپارد، اما بسیاری از خودیها و منجمه شمس‌الواعظین و حسین شریعتمداری این اطلاعیه را فاقد وجاهت قانونی دانستند و مهمتر آن که خاتمی در روز ۲۱ تیر ماه طی یک پاسخ کاملاً دفاعی مجبور به موضع‌گیری شد. خاتمی به طاهری می‌گوید: «یقیناً از جنابعالی که سوابق ممتدی در انقلاب دارید، بیشتر از خلیفه انتظار و توقع داشتم و دارم» خاتمی که بیش از هر کس دیگر می‌داند که بابت این نامه باید هزینه سنگینی بپردازد، آیت‌الله طاهری را به شیوه «علیحضرت همایونی محمد رضا شاه» تهدید می‌کند و می‌گوید: «اینجانب جفای به خود را فراموش می‌کنم اما جفای به ملت و تلاش برای سست کردن بنیان نظام اسلامی قابل بخشش نیست».

خاتمی برای مقابله با این بحران و در حالی که همه اقدامات

سرکوبگرانه‌اش نتوانسته جلوی ابراز خشم و نفرت مردم را بگیرد، طی یک اقدام مضحک سیاست مذبحخانه «فرار به جلو» را انتخاب می‌کند و برای برگزاری یک تظاهرات فرمایشی و به بهانه بیانیه روز ۲۱ تیر رئیس جمهور آمریکا، تدارک می‌بیند و دوم خردادیهها نیز با حقارت از این اقدام مضحک حمایت می‌کنند. در روز قبل از این تظاهرات فرمایشی خاتمی طی یک سخنرانی از خاتمی تمجید می‌کند و می‌گوید «رئیس جمهور محترممون در موضع‌گیری خود، زد توی دهن رئیس جمهور آمریکا» اما در همین سخنرانی خاتمی، دوم خردادیهها و به خصوص حزب خاتمی (حزب مشارکت) که در همان روز کنگره سوم خود را آغاز کرده بود، به طور مستقیم، اما بدون ذکر نام متهم به تضعیف ولایت فقیه می‌کند و به آنان هشدار می‌دهد و می‌گوید: «یک دستهایی در کار است برای این که هر دو نفری رو به جان هم بیاندازه سر مسائلی که هیچ و بیوج برای موضع‌گیریهای گوناگون حزبی و جناحی و گروهی، گاهی گروهکی، افراد رو با همدیگر مسأله‌دار کنند. یه عده‌ای دائم می‌خوان به دم اختلاف افکنی و آتش‌افروزی بدمند، مرتب، این هم با همین جناح‌بندی و نمی‌دونم اظهارات حزبی و تشکیلات حزبی و ایجاد ولایت حزبی، در مفهوم ولایت و معنای ولایت شبهه می‌اندازند که جزو تعالیم اصلی دین و قرآن و جزو مصراحتات قانون اساسی است، در این ایجاد خدشه می‌کند. اون وقت به جای اون ولایت حزبی به وجود می‌آورد. از این تناقض و وحشتناک، خودتون را برکنار بدارید».

(رادیو رژیم ۲۶ تیر) اتهام خدشه‌دار کردن ولایت فقیه به هیچوجه به خاتمی و حزب پشتیبان، فقیه او البته نمی‌چسبد، اما خاتمی در این سخنرانی نشان می‌دهد که حتی «حزب» رئیس جمهور ارتجاع که بارها خود را سرسپرده ولایت فقیه اعلام کرده را نیز نمی‌تواند تحمل کند و مثل هر مستبد و دیکتاتور دیگر «ولایت احزاب» را روش دیکتاتوری اعلام می‌کند تا ولایت استبدادی، مذهبی خود را توجیه کند. خاتمی روز بعد از تظاهرات فرمایشی ۲۸ تیر هم طی یک پیام به مخالفان درونی «اتمام حجت» می‌کند تا ماستها را کیسه کنند و دم بر نیاورند. گویی این باندها و دسته بندیهای درونی حکومت به اختیار خود چنین در مقابل یکدیگر جبهه‌گیری کرده‌اند که اکنون با «اتمام حجت» ولی فقیه دستها را بالا ببرند و بر بیعت برده‌وار خود مهر تأیید مجدد بزنند.

خاتمی‌ای در اوج درماندگی و در فقدان اراده برای اتخاذ یک سیاست کلان برای غلبه بر بحران فکر می‌کند با به سکوت وادار کردن خودیها و توسری زدن به آنان می‌تواند جلوی بروز آتش خشم و نفرت مردم را بگیرد. او در این مورد نیز مثل همه مستبدان و دیکتاتورهای جهان واقفیت را وارونه می‌بیند. این جدالهای درونی ولایت فقیه نیست که موجب رشد و گسترش مبارزه مردم علیه استبداد شده است، بلکه بر عکس این رشد و تکامل مبارزه زنان و مردان کشور ما و توسعه مقاومت سازمان‌یافته مردم ایران است که باعث شکاف و چند دستگی در حکومت شده است. اگر عباس عدی در یک نامه سرگشاده به خاتمی می‌نویسد: «نیازی به نگرانی بیشتر برای سرنوشت این مملکت نیست، چرا که از سیاهی بالاتر رنگی نیست». (نوروز ۲۰ تیر) و در روز ۲۳ تیر در مورد این نامه توضیح می‌دهد که «روند موجود نشان می‌دهد که وضعیت کنونی جواب نمی‌دهد، خاتمی هم گفت، سیاست اعتدال من شکست خورد. پس باید سیاست جدیدی در پیش بگیرد. من از او می‌خواهم که سیاست خود را اعلام کند چاره‌ی هم غیر از این نیست. حال هرچه پیش آید، بحث دیگری می‌طلبید». (نوروز ۲۳ تیر). به این علت نیست که عباس عدی خواب‌نما شده و یک شبه بوی الرحمان رژیم را حس کرده باشد. این که مبارزه و مقاومت سرنوشت ساز مردم ایران است که چنین آتشی به پا کرده و کسانی را با انتخاب خاتمی فکر می‌کردند می‌توانند مشروعیت نظام را بازسازی کنند به این نتیجه رسانده که بالاتر از سیاهی موقعیت رژیم دیگر رنگی نیست. این موج خروشان مبارزه سرنوشت ساز زنان و مردان ایران زمین است که در تکامل خود بنیانهای سیاسی و ایدئولوژیک نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه را فاقد مشروعیت نمود و اکنون رژیم تنها با ابزار «تشکیلات» سرکوبگر خود است که می‌تواند بقای خود را ادامه دهد.

در شرایطی که خاتمی همه عوامفریبیهای رژیم رنگ باخته، در حالی که همگان دریافته‌اند که «حماسه پر شکوه دوم خرداد» صدای یک طبل تو خالی بیش نبوده و در حالی که مثلاً قاسم شعله‌سعدی از «مرحوم اصلاحات» که «فاتحه» آن را خوانده حرف می‌زند،

بقیه در صفحه ۴

## آوردگاه در بارگه ولایت

-- منصور امان

“قرائتها” و تفسیرها از آن را نیز شامل می‌شود. در عوض آنچه که سخنران تالار معلم درصدد توضیح آن است، رو به کسب مشروعیت برای نوع دیگری از قدرت دینی دارد که تنها استقلال ایدئولوژیک خود از روحانیون را اعلام می‌کند. همین واقعیت را سازمان آقای آقاجری در بیانیه‌ای که در پاسخ به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم صادر نموده، بیان داشته است: “کارنامه پی گیر سی ساله سازمان ما از یک سوی دفاع تئوریک آن از دین و دولت دینی در برابر مارکسیست‌ها، التقاطیه‌ها، غرب زدگان و از سوی دیگر اثبات کننده این حقیقت است که نه ما امروز و در روزگار پس از فتح و غنیمت اسلام را یافته و نه مردم “متدین” و جوانان مسلمان امروز ما را شناخته‌اند.”

با این وجود، گفته‌های آقاجری - اگر چه نه به دلیل برگرفته‌های دینی و اجتماعی او - اهمیت ویژه‌ای دارد و این واقعیت را فقط دامنه و گستردگی جدالی که پیرامون آن به جریان درآمده، آشکار نمی‌کند. چهره‌هایی که به ردیف نخست دوصف بندی درونی حکومت تعلق دارند، به میدان آمده‌اند تا با روشنی کم پیشینه‌ای رویکرد خود در این باره را اعلام نمایند یا هم چون امام جمعه اصفهان و یک گروه‌گانیگر بازنشسته، به اعتراض “ارد بیخته و غربال بیاویزند.” در حالی که ظاهراً چیزی بیشتر از رابطه “میمون و تقلید” طیف ولایت را برآشفته نکرده است، همزمان از رویارویی “آخوند علیه آخوند” سخن رانده شده و “امنیت ملی” نقل رایج می‌گردد. همه‌ی شواهد بیانگر آن هستند که “پروتستانتیسیم” آقاجری، زنگوله پر سر و صدایی ست که به گردن گربه بسته شده تا او همان جا که به جنبش در آمده، تدبیر شود. از این رو یک رویارویی در سطح که بر مولفه‌های دیگری استوار گردیده شاید تعریف بهتری از کارزار کنونی باشد. به میزانی که بر درستی موضوعات در این پهنه افزوده می‌شود، فراگشت فاکتورهای محرک نیز شتاب بیشتری می‌یابند. مجاهدین انقلاب اسلامی توسط عضو “جانباز” خود، آگاهانه جبهه دیگری را گشوده‌اند و اینک در همان سطحی که رقباشان مانور می‌دهند، به رویارویی با آنان برخاسته‌اند. دورخیز باند ولایت برای یک کاسه کردن قدرت که از طریق افزایش اختیارات “رهبری” در دست انجام است، در حقیقت برای سلب

گفته‌های جنجال برانگیز هاشم آقاجری، یکی از اعضای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شلیک آغاز دور دیگر و این بار تعیین کننده‌ای در کشمکش‌های درونی رژیم بود. وی طی یک سخنرانی در همدان، صریحاً خواستار تجدیدنظر در جایگاه تولیتی و قیم مابانه روحانیون حکومتی در رابطه با اسلام گردید و ساختار هیرارشیک این صنف را با کلیسای کاتولیک مقایسه کرد. او همچنین مبانی نظری قدرت روحانیون شیعه یعنی اجتهاد و تقلید را به باد انتقاد و تمسخر گرفت. درونمایه سخنان آقاجری که نظرات خویش را با ترم “پروتستانتیسیم اسلامی” آرایش داده بود، به طور مجرد تنها از این زاویه که توسط یک کارگزار مهم نظام دینی حاکم بیان گردیده، قابل توجه می‌باشد. در غیر این صورت اصلاح طلبی وی، بیان تحقیف یافته و سرودم بریده و واکنشی ست که چیرگی دو دهه واندی نظم اسلامی در جامعه برانگیخته است. ورشکستگی سیاسی - اخلاقی حکومت مذهبی ملاها و مکلاها، بدون تأیید این عضو آن هم در نظر مردم امری بی‌گفتگو و اثبات شده است. خواست جدایی دین از دولت و کوتاه کردن دست متولیان آن از پهنه‌های زندگی فردی و اجتماعی، اکنون به چنان گرایش نیرومندی فراوریده که بسا آخوندک‌ها را نیز به تامل پیرامون ظرفیتهای لازم برای ادامه شرایط موجود وادار می‌نماید. اما به راستی نمایش به خوبی طراحی شده آقای آقاجری اعترافی ناگزیر برای به رسمیت شناختن این تمایل اجتماعی است؟ بسیاری از افراد و جریاناتی که از “قرائت” او به هیجان آمده و آن را نشانه‌ای از پیشرفت اصلاحات در قلمرو جامعه مدنی دانستند، به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهند. اما نقاط تمایزی که عضو مجاهدین انقلاب اسلامی به عنوان گواه تجدد طلبی خود ارائه داده است کم رنگتر از آن هستند که بتوان در این خوشبینی با آنها شریک شد. تفاوت بین “اسلام ذاتی” و “اسلام تاریخی”، شاخصی نیست که جامعه کنونی ایران، ویژگی دگرگونیهای مورد نظر خود در پهنه قدرت سیاسی را براساس آن محک زده یا تعریف کند. خواست برچیده شدن بساط “اسلام عزیز” از گستره سامان دهی عرفی جامعه، بدون هیچ سوءتفاهمی کلیه

قدرت شدگان آتی هیچ چاره‌ای جز به زیر سؤال بردن مشروعیت جایگاه ولایت در مجموع و به چالش فرا خواندن آن باقی نگذاشته است.

برای سازمان مزبور و متحدان آن زنگهای زمانی آونگ گرفت که مجمع تشخیص مصلحت نظام، خلع ید از دولت و مجلس را تحت عنوان “آئین نامه چگونگی نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام” در دستور کار خود گذاشت. این رهیافت که عملاً قوه مجریه را تحت کنترل مجمع مزبور و مجلس را به زیر مجموعه شورای نگهبان تغییر کارکرد می‌داد، باز تفسیر قانون اساسی ناهمگون و پایان بخشیدن به حاکمیت دوگانه برآمده از آن را آماج خود قرار داده بود. به نظر می‌رسید رفرم در قانون اساسی که “اصلاح طلبان” سرسختانه از ورود به قلمرو آن سرباز می‌زدند و خاتمی زمانی آنرا مترادف “خیانت” نامیده بود اینک به دست هم‌اوردان مصمتر آنها جامه عمل می‌پوشد.

برای مطلقه نمودن حکومت آنها به پیمودن راه درازی نیاز نداشتند. بنا به بندهای یک و دو اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاستهای کلی نظام و نظارت بر آنها در زمره اختیارات ولایت فقیه شمرده می‌شود. و یک بند دیگر (یازدهم) او را مختار به تفویض برخی وظایف خویش به دیگران و در اینجا مجمع تشخیص مصلحت نموده است. آنچه که می‌توانست بین سنگ آسیاب کشاکشها قرار بگیرد، تعریف و تفسیر از عبارت کلیدی “سیاستهای کلی نظام” بود. پیش از این و قبل از آن که مجمع تشخیص مصلحت درصدد تنزل نقش دولت و مجلس به تماشاچی برآمده باشد، درک همگانی و بی‌مناقشه کارگزاران رژیم از ترم مزبور جهت گیریهای کلی نظام و آماج اعتقادی آن همچون حمایت از مستضعفین، مبارزه با استکبار و حمایت از مظلومین جهان را برمی‌گرفت. هم از این رو جایگاه آن در کادر یک مجموعه ارزشی راهنما و نه چارچوبهای حقوقی - قانونی الزام آور آدرس داده می‌شود. گزاره جدید مجمع تشخیص مصلحت اما این سیاستها و آنچه که از این پس بدانها افزوده خواهد گردید را به مثابه خط مشی جاری دستگاهها و دوائر حکومت و به بیان روشنتر مواد قانونی معرفی می‌کند و خود و شورای نگهبان را به نظارت بر اجرای آنها برمی‌گمارد. بدین ترتیب ولایت فقیه و مجمع گماشته وی نه تنها امر قانونگذاری را به سود خود مصادره می‌کنند، بلکه ارگانهای انتخابی حکومت یا به بیان دیگر

سنگرهای “تسخیر شده” “دوم خرداد” را نیز به عنوان بازار اجرائی قابل تعویض به حاشیه می‌رانند. “اصلاح طلبان” به حق سنگینی سایه شمشیر داموکلس “قانون” را بر فراز سر خویش احساس می‌کردند.

آن گونه که سنت جمهوری اسلامی بازگو می‌کند، درستترین تفسیر همواره از سوی دارندگان قوی ترین سلاح بیان می‌شود. از این رو کشاکش مولوی و ارشادی یا الزامی و قانونی بودن “سیاستهای کلی”، نمی‌توانست چندان اسباب نگرانی خاطر باند ولایت و هراس آنان از فرسایش سوژه را فراهم آورد. اگر چه فرصت یک ماهه‌ای که در اختیار کربوسی و خاتمی برای “بررسی” آئین نامه مورد بحث گذاشته شد به علنی نکردن موضوع مشروط گردیده بود اما توطئه گران هوشمند تر از آن بودند که به این قول اعتماد کنند. به راستی نیز زمینه‌هایی که آنان برای برپا کردن اقتدار یک تازانه خویش فراهم آورده بودند، به خوبی در برابر خرده گیریهای حقوقی رقیب تاب می‌آورد. جایگاه قانونی و تعیین کننده ولایت فقیه که “آئین نامه” می‌منفعل کردن دولت و مجلس گرد آن تنظیم شده بود، برگ برنده و برهان واپسین “محافظة کاران” محسوب می‌شد.

بیشتر و هنگامی که آیت الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان رهبر را “برگزیده خدا” معرفی کرد و وظیفه مجلس تحت سرپرستی خود را “کشف” او دانست، به نظر نمی‌رسید هیچ یک از مروجان “اسلام ذاتی” تمایلی به رد یا حتی نقد سخنان وی داشته باشند. اکنون نوبت به آیت الله رضوانی، عضو فقههای شورای نگهبان رسیده بود که “مافوق قانون” بودن “رهبر در اسلام” را هشدار دهد و قانون اساسی مورد انتساب جناح رقیب را جز بازپچه‌ای برای انعکاس تمایلات او برنشمرد. جایگاه آریامهری “سایه خدا” دوباره “کشف” شده بود و ولی فقیه به شتاب تمام بر کرسی آن فراز می‌آمد. وابستگان جناح خاتمی به تدریج خواب شیرین “وفاق ملی” را بر خود حرام شده می‌دیدند و بانگ ناخوشایند لالایی‌ای که در سراسر دوران آشتی به گوششان خوانده شده بود را بهتر تمیز می‌دادند. پافشاری رقیب که از ضرورت اتحاد برای رویارویی با تهدیدات خارجی اطمینان می‌داد، هرگز مانع آن نشده بود که روندها و رویه‌های گذشته به سود چیزی که “شرایط جدید” نامیده می‌شد، دگرگون گردد. اما “اصلاح

بقیه در صفحه ۴

## سرمقاله

بقیه از صفحه ۳

طلبان“ ترجیح داده بودند از گفتار و نیت خیر به سوی تحلیل اوضاع حرکت کنند و حلقه محاصره ای که گرداگردشان چنبره زده و هرروز تنگتر می شد را “انشاء الله گره ست” ببیند. اینک آنها محق بودند خود را خوش باورانی بیدارند که وعده وفای را همچون آبی که به مرغ نذری می خوراند، چشم فرونهد سر کشیده اند. آقای خاتمی، رنجیده خاطر، این یافته ناپهنگام را اوائل ماه جاری در جریان سخنرانی خود در اردکان به زبان آورد: “تحولات عظیمی در حال شکل گیری است و این تحولات نباید به ضرر ملت باشد و مشکل ایجاد کند.” و تنها یک روز بعد، گویا برای اینکه ثابت کند کماکان چانه اش بیهده در “بالا” گرم می شود، به خبرنگاران گفت فعلا مایل نیست در این باره صحبت کند! این که در نگاه گرایش تندروتر “جبهه دوم خرداد”، گستره رویکرد خاتمی و طیف میانی همین جبهه، همه فاکتورهای دخیل در نبرد جاری را در برنمی گیرد، دور از انتظار نبود. عباس عدی، از اعضای رهبری مشارکت و “دوم خرداد”، در سرمقاله روزنامه نوروز، صریحا برخورد محتاطانه خاتمی را نکوهش کرد و او را مخاطب قرار داد: “حساسیتها و دغدغه های جنابعالی نسبت به سرنوشت کشور کاملا قابل احترام است. هرچا که کوتاه آمده اید، حتما و قطعا ناشی از این دغدغه ها بوده است. اما متأسفانه باید بگویم که شیوه های موجود رفتاری، در حال حاضر نه تنها آن نگرانیها را برطرف نمی کند که به نظر بنده احتمال بروز و تحقق آن وقایع نگران زا را تقویت می کند. در نتیجه اتخاذ چنین سیاستی نقض غرض است.” او کمی جلوتر، پیرامون “نگرانی ها” توضیح بیشتری داده و از “فروپاشی” نام می برد.

اما به راستی دایره مانور “دوم خرداد” تا کدام مرزها می توانست گسترش یابد و کدامین سنگر در اردوی مخالف را هدف گیری کند؟ غبار نبرد در خطوط دوم و سوم فرو نشسته بود، پیاده نظامان همچون قاضی مرتضوی و عزیزاده و سوارانی در قامت جنتی و یزدی از تیررس دور شده و آن که به میدان پوزار می کشید و همآورد می طلبد کسی کمتر از “عمود خیمه نظام” نبود. گزینه های زیادی وجود نداشت، دندان فرسودن، به گروگان “ما فوق قانون” درآمدن و بر “آئین نامه” مرگ سیاسی با اقساط صحه

گذاشتن یا پذیرفتن ریسک و جبر “مصلحت نظام” را کمانه کردن. حریفان، خود جز این را نخواسته بودند، پس پرهیز از چه؟ برای مجموعه ای که پیرامون خاتمی متشکل شده اند روشن بود که در این سطح از جدال، محور نقد - به شرط مؤثر افتادن - نمی تواند و نباید در پهنه های حقوقی “آئین نامه” محدود بماند. مهم و موثرتر به زیر سؤال کشیدن زیرساخت و تکیه گاههایی که مصوبه مجمع بر آنها می آرمید، بود. در این رابطه حتی بازگشت به سیاست قانونمند ساختن ولایت نیز در نظر به گردش تحولات، گامی به عقب شمرده می شد. خنثی نمودن بورش “محافظه کاران”، جز با به چالش کشیدن جایگاه ولی فقیه و پایه های مشروعیت او میسر به نظر نمی رسید. زیرا این فقط پله های حقوقی چیده شده در قانون اساسی نبود که آیت الله خامنه ای، برای نشستن بر تخت سلطنت مطلقه از آنها بالا می رفت. بسا بیشتر، به خدمت گرفتن باورها و سنتهای چند صد ساله مذهب شیعه ای که روحانیون آنرا تفسیر و ترویج می کردند، به او ابزار و امکان الهی کردن مسند زمینی خود را می بخشید. بدین جهت از تابهایی که کلیه پابوران حکومت به یک نسبت در استخوانی شدن آنها سهم داشتند اینک می بایست تقدس زدایی می شد و غولی که به شکل خمینی و سپس جانشین او از بطری نظام رها گشته بود، به جایی که هیچ کس در جمهوری اسلامی نمی داند کجاست، بازگردانیده شود. اگر چه لایه میانی “دوم خرداد” با مقدمات این پروژه نمی توانست موافق نباشد اما هراس آن از نتایج “نگران کننده” ای که ورود به این پهنه می توانست برای کل نظام در پی داشته باشد او را در سرفصل یکی از تعیین کننده ترین برشگاههای حیات سیاسی “اصلاح طلبان”، به انفعال محکوم می ساخت. در سوی دیگر معادله، تندروها قرار داشتند که ترک پر سرو صدا و پرهزینه قدرت را به له شدن خرده وار بین چرخ دنده قدرت جدید مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان، ترجیح می دادند و شانسهای نهفته در این برخورد را واقعی و در هر حال آینده دار تر از شق دوم ارزیابی می کردند. دیدگاهی که در انگاشت خود، حساب ویژه ای برای فاکتورهای بین المللی و بیش از همه شرایط کنونی منطقه و تحركات ایالات متحده گشوده است.

مجاهدین انقلاب اسلامی با به میدان فرستادن آقاجری و بدون جلب توافق شرکای متزلزل خود، از صحنه ی

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

رژیم ملاها تنها و تنها می تواند با اتکاء بر ابزار تشکیلاتی سرکوبگرانه به بقای خود ادامه دهد. اما این سیاست و روش در حالی که جامعه در یک بحران انقلابی قرار دارد و در شرایطی که رأس و محور این رژیم یعنی دستگاه ولایت فقیه فاقد اراده برای اتخاذ یک سیاست کلان برای غلبه بر بحران است، هر اقدام کارگزاران رژیم و منجمله خامنه ای، رژیم را بیشتر در گرداب فرو می برد.

با این حال نباید فراموش کرد که اوضاع اسفناک رژیم به خودی خود منجر به برافتادن استبداد و تحقق دموکراسی، عدالت و استقرار یک نظام سکولار نخواهد شد. ۵۰ سال پیش مردم ایران در روز ۳۰ تیر با همبستگی، اتحاد و مبارزه سرنوشت ساز خود دکتر محمد مصدق را به قدرت باز گرداندند. اما یک سال بعد از آن در فقدان یک سیاست انقلابی، دولت زنده یاد دکتر مصدق سرنگون شد. جدال کنونی میان جبهه ارتجاع و جبهه ترقی و پیشرفت آن، مستلزم همبستگی و اتحاد هر چه فشرده تر مردم علیه رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه است. جبهه همبستگی تمامی ایرانیان آگاه و ترقی خواه که برای برچیدن بساط ننگین استبداد مذهبی حاکم به پا خاسته اند و هدف مقدم آنان استقرار دموکراسی، عدالت اجتماعی و جدایی دین از دولت است، یک نیاز میرم است که مسعود رجوی طی ماههای اخیر با هوشیاری و به درستی بر آن تاکید کرده است.

در دورانه های حساس و سرنوشت ساز مسئولیت افراد و گروههای اجتماعی هزاران بار بیشتر از دوران معمولی است. نتیجه اشتباه کسانی که امروز بر سیاست ارتجاعی دفاع از خاتمی و دوم خردادیها مهر تایید می زنند، هزاران بار بیشتر از کسانی است که دو دهه پیش در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ مهر تایید بر سرکوبگری رژیم زدند. همچنین تاریخ در مقابل کسانی که دست رد بر رژیم استبدادی مذهبی حاکم زده اند (با هر میزان نزدیکی و دوری به مقاومت سازمان یافته که اصلی ترین و سرسخت ترین دشمن این رژیم است) وظیفه ای سنگین قرار داده است. فرصتهای مناسب برای تحقق دموکراسی و آزادی در تاریخ کشورها به ندرت به وجود می آید و جامعه ما اکنون در یکی از مناسب ترین فرصتهای خود قرار دارد. همه ما باید این فرصت تاریخی را دریابیم. و به آزادی، دموکراسی، عدالت و استقرار یک نظام عرفی برای مردم ایران بیاندیشیم.

چه کند آهوی جانم،

سر صحرای تو دارد

## اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

## تجمع کارگران اخراجی و بستگانشان در پارک

روزنامه قدس ۲۸ خرداد: کارگران اخراج شده شهرداری مشهد به همراه خانواده های خود، با تجمع در محل برگزاری سومین جلسه شورای مدیران شهرداری، نسبت به اخراجشان اعتراض کردند و خواستار بازگشت به کار شدند. دو شب پیش در حالی که مدیران شهرداری مشهد به همراه خانواده های خود برای شرکت در سومین جلسه شورای مدیران در محل استخر پارک ملت مشهد حضور یافته بودند، حدود ۱۶۰ تن از کارگران اخراجی سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری مشهد به همراه همسر و فرزندان خود در مقابل محل جلسه حضور یافتند و خواستار پاسخگویی مسئولان شهرداری به مشکل خود شدند.

## کارخانه فرش اکتان قزوین اعلام ورشکستگی کرد

جمهوری اسلامی ۲۹ خرداد: کارخانه فرش اکتان قزوین تولیدکننده انواع فرش ماشینی با ۲۷۸ کارگر و کارمند روز گذشته اعلام ورشکستگی کرد. صندوق بازنستی کشور و وزارت صنایع و معادن از سهامداران این شرکت تولیدی می باشند. در همین رابطه مسئولان شرکت فرش اکتان قزوین در اطلاعیه ای خطاب به کارگران اعلام کردند: این شرکت باتایید هیات دولت و تصویب بازخریدی کارگران توسط سهامداران، از روز سه شنبه منحل است. در اطلاعیه ای با تاریخ بیست و ششم خرداد ۱۳۸۱ از سوی شرکت اکتان خطاب به کارگران آمده است: کارگران و کارکنانی که تاکنون اقدام به بازخریدی نکرده اند می توانند از این تاریخ جهت انجام امور بازخریدی و تسویه حساب به مدیریت مراجعه کنند.

میانگین خط فقر ۹۲ هزار تومان سایت خبر ۳ تیر- میانگین میزان خط فقر در یک خانواده ۵،۵ نفری روستایی مبلغ ۸۴ هزار تومان و در شهرها ۹۲ هزار تومان است. واعظ مهدوی معاون امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی گفت: خط فقر، تعیین حداقل درآمد برای پوشش به یک زندگی متعارف است، که در این زمینه محاسبات دقیق و همه جانبه در ایران وجود ندارد. وی عامل مهم بروز تفاوت بین هزینه ها و درآمدها را تورم یا افزایش شاخص عمومی قیمتها دانست و

گفت: از عوامل مهم گسترش فقر، افزایش شاخص عمومی قیمتهاست، چرا که قدرت خرید برای گروهها و اقشار جامعه با حقوق ثابت کاهش پیدا کرده و شخص را فقیرتر می کند. وی یادآور شد ۱۲ درصد جمعیت شهری و ۱۶ درصد جمعیت روستایی زیر خط فقر زندگی می کنند که بخش مهم این افراد شامل افراد بی سرپرست، بدون شغل واز کارافتاده هستند.

## کارگران ریسمنان ریسندگی سمنان تخصص کردند

روزنامه کاروکارگر ۳ تیر- تخصص کارگران ریسمنانریسی سمنان در محل شهرداری این شهر صورت گرفت. به دنبال اقدام شهرداری سمنان مبنی بر تخریب دیوار کارخانه ریسمنانریسی سمنان کارگران بیکار شده این شرکت و در پی تجمع در محل شهرداری سمنان امور اداری این نهاد روز دوشنبه ۳ تیر عملاً مختل گردید. به گزارش خبرنگار ما ماموران شهرداری سمنان در ساعات آغازین روز دوشنبه اقدام به تخریب دیوار محافظ کارخانه ریسمنانریسی نمودند که کارگران بیکار شده این شرکت که ماهها و بلکه سالها بالتکلیف مانده اند با تجمع در مقابل مامورین شهرداری از تخریب دیوار ممانعت کردند. به دنبال این اقدام کارگران مامورین نیروی انتظامی وارد عمل شده و کارگران را متفرق نمودند سپس کارگران که تعدادشان بر یکصد نفر بالغ می شد با مراجعه به شهرداری خواستار ملاقات با شهرداری شدند که متأسفانه تا حوالی ساعت ۱۲ قبل از ظهر موفق به ملاقات با شهردار نشدند. لازم به ذکر است شرکت ریسمنانریسی سمنان و نساجی پارس که یکی از کارخانجات بسیار قدیمی شهر سمنان می باشد سالهاست که با مشکلات عدیده ای روبه رو می باشد.

## اعتراض کارگران شرکت آرامش گستر - کاشان

جمهوری اسلامی ۳ تیر- کارگران شرکت آرامش گستر کاشان با ارسال نامه ای خطاب به وزیر کار و امور اجتماعی گفته اند: ما کارگران که مشمول طرح خصوصی سازی شده ایم با مشکلات زیادی روبرو گشته ایم، از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی و پرداخت نشدن مزایایی که طبق قانون کار باید به کارگران پرداخت گردد.

## تجمع کارگران کفش بهمن سمنان

روزنامه مردم سالاری ۸ تیر- کارگران کارخانه کفش بهمن مهدی شهر سمنان در پایان ساعت کاری خود در مقابل ورودی این کارخانه تجمع کردند و خواستار اجرای کامل قانون کار شدند.

## ۶۰ هزار پزشک و پیراپزشک در کشور بیکارند

جمهوری اسلامی ۹ تیر- تاج محمد قچاوند روز گذشته گفت طبق آمارهای منتشره حداقل ۶۰ هزار پزشک و پیراپزشک و سایر رشته های مرتبط با آن، بیکار و در انتظار شغل هستند. وی با بیان آماری از تخته های بیمارستانی کشور اظهار داشت: از تعداد ۱۰۵ هزار و ۷۱۶ تخت ثابت بیمارستانی در سال ۱۳۷۹ تنها ۱۱ هزار و ۳۳۸ تخت یعنی حدود ۱۱ درصد متعلق به بخش خصوصی است.

## دستمزد زنان شاغل

همشهری ۱۰ تیر- طاهره رضازاده عضو فراکسیون زنان در مجلس شورای اسلامی گفت: زنان شاغل در ایران، در وضعیتی مشابه با مردان، دستمزد کمتری دریافت می کنند. نماینده مردم شیراز روز یکشنبه در گفتگو با خبرنگار پارلمانی ایرنا افزود: حق عائله مندی، حق اولاد و حق فوت به زنان شاغل در کشور پرداخت نمی شود. عضو فراکسیون جبهه دوم خرداد اظهار داشت: توقع می رفت بعد از دوم خرداد ۷۶ زمینه های رفع این تبعیض فراهم شود. فکر نمی کنم ۵ سال فرصت کمی برای رفع این تبعیض و نابرابری باشد. وی به نقد زنان در سطوح بالای جامعه پرداخت و گفت: زنانی که به خاطر روابط خانوادگی، درون حاکمیت راه یافته اند، نماینده همه اقشار زنان ایران نیستند. رضازاده تأکید کرد: "باید زمینه های تبعیض میان زنان و مردان رفع شود. لازمه این کار نیز، ارج نهادن به فرهیختگان و نجیبان است. دوران انزوا و رنج اندیشمندان در سراسر جهان بسر آمده است و در ایران نیز باید چنین باشد." عضو فراکسیون زنان در مجلس، بر لزوم تشکیل یک بانک اطلاعاتی از زنان توانمند و کارشناس در رشته های مختلف و استفاده از نظرات زنان نخبه و اندیشمند در اداره امور کشور تأکید کرد. نماینده مردم شیراز به افزایش تعداد دختران دانشجو در کشور در مقایسه با پسران اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: به تدریج سطح آگاهی زنان ایران رو به افزایش است و این سؤال در اذهان بسیاری از آنان بوجود آمده که چه آینده ای در انتظارشان است؟ وی گفت لازم است دولت و

مجلس با همکاری یکدیگر، زمینه فعالیت های دولتی، خصوصی و تعاونی بیشتر زنان را فراهم کند. رضازاده فعالیت در شوراهای اسلامی شهر و روستا را زمینه خوبی برای ورود زنان به عرصه اجتماع و سیاست دانست و پیشنهاد کرد که سهمیه ای برای زنان در انتخابات شوراهای در نظر گرفته شود. عضو کمیسیون انرژی در مجلس خاطر نشان ساخت: می شود درباره سهمیه ۳۰ درصدی برای زنان در انتخابات شوراهای شهر و روستا در مجلس شورای اسلامی بحث کرد.

## زنان، نان آور ۴۰ درصد خانوارها هستند

جمهوری اسلامی ۱۱ تیر: دومین همایش بررسی جایگاه زن از دیدگاه حقوقی به همت کمیته امور بانوان سازمان آموزش و پرورش آذربایجان غربی برگزار شد. در این همایش خانم دکتر نوابی نژاد نایب رئیس شبکه سازمانهای غیردولتی زنان نیز با اعلام این که ۳۳ درصد نیروی کار جهان را زنان تشکیل می دهند اظهار داشت: این در حالی است که این قشر از کمترین حقوق برخوردار بوده و از امنیت شغلی نیز برخوردار نیستند. وی گفت: در ایران ۴۰ درصد خانواده ها تحت سرپرستی زنان هستند که از این میزان ۳۵ درصد نیز زیر خط فقر قرار دارند.

## تصرف پالایشگاه گاز توسط کارکنان معترض

خبرگزاری ایسا ۱۱ تیر- به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران، یک صد خانوار از خانواده های کارکنان پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد به دنبال عدم اجابت خواسته های شان مبنی بر واگذاری ۱۰۰ دستگاه منازل مسکونی سازمانی به کارکنان بومی، تمامی منازل مسکونی را متصرف شدند. این اقدام به دنبال جواب منفی مسئولان پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد صورت گرفت. ۱۰ روز پیش جمعی از خانواده ها و کارکنان پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد در مقابل شهرک شماره دو گاز سرخس به عنوان اعتراض اجتماع کرده بودند که با حضور معاونت سیاسی فرمانداری به اجتماع خود پایان دادند، اما خواستار پیگیری مشکلاتشان شدند. به دنبال این حادثه، تصمیم قبلی مدیرعامل پالایشگاه گاز شهید هاشمی نژاد که قرار بود ۲۲ واحد مسکونی به ساکنان بومی واگذار کند، تغییر کرد و پس از جلساتی که با فرماندار گذاشته شده بود، این تعداد به ۳۰ واحد مسکونی افزایش یافت، اما کارکنان بومی خواستار واگذاری تمامی منازل مسکونی فاز دو که ۱۰۰ دستگاه است، شده بودند.

## اخبار اعتراض‌های کارگران و مزدبگیران

بقیه از صفحه ۵

### تعطیلی ۷۲ واحد تولیدی صنعتی در مازندران

روزنامه کیهان ۱۵ تیر- رئیس سازمان صنایع و معادن مازندران اعلام کرد: ۷۲ واحد تولیدی صنعتی در این استان به جرگه واحدهای راکد و غیرفعال پیوست. مهندس «سیداحمد واقفی» در اولین مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی خود پس از تصدی ۳ ساله این مسئولیت افزود: این واحدها به دلیل کمبود نقدینگی، مشکل فروش تولیدات، ضعف مدیریت و تورم نیروی انسانی تعطیل شده اند.

وی گفت: فعالیت و راه اندازی مجدد این کارخانه‌ها نیازمند تزریق ۴ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار است. وی با بیان این مطلب که مشکل تزریق نقدینگی علت اصلی رکود صنعت نیست، بر لزوم توجه به مشکلات و ضعف‌های مدیریتی در واحدهای صنعتی تاکید کرد.

به گفته وی همچنین ۴۸ واحد تولیدی صنعتی مازندران در حال حاضر نیمه فعال هستند که تلاش برای احیای مجدد آنها با هماهنگی مدیریت اجرایی استان ادامه دارد.

### تجمع کارگران در مقابل اداره کل منابع طبیعی گلستان

روزنامه کاروکارگر ۱۶ تیر- جمعی از کارگران طرح‌های جنگلداری گلستان روز گذشته با تجمع در مقابل اداره کل منابع طبیعی استان در گرگان، نسبت به پرداخت نشدن چهارماه حقوق خود اعتراض کردند.

این کارگران که تعداد آنها به بیش از یک صد نفر می‌رسید، از تعطیلی طرح‌های بهره برداری از جنگل و احتمال اخراج خود انتقاد کردند. یکی از آنان به خبرنگار ایرنا گفت: ما حدود ۳۰ سال در جنگل‌های منطقه زحمت کشیدیم و اکنون چهارماه است که بدون هیچ حق الزحمه‌ای کار را تعطیل و ما را بیکار کرده‌اند. حسین اصحابی افزود: در این مدت بارها به اداره کل منابع طبیعی مراجعه کردیم اما هیچ پاسخی به ما ندادند. یکی دیگر از تجمع‌کنندگان گفت: مدتهاست که به دلیل این که محیط زیست تخریب نشود طرح بهره برداری از جنگل را متوقف کرده‌اند اما حق کارگران را پرداخت نکردند.

### اعتراض هزارتن از نانویان سنندجی

روزنامه ایران ۱۶ تیر- بیش از هزار تن از کارگران شاغل در نانوییهای شهر سنندج با تجمع در برابر دفتر انجمن صنفی خبازیه‌های سنندج و حومه نسبت به دستور اداره کل غله استان مبنی بر سه شیفته کردن نانوییهای شهر اعتراض کردند. به موجب طرح سه نوبتی کردن فعالیت نانوییهای شهر که از ۱۰ تیرماه آغاز شده، نانویان باید فعالیت پخت و پز روزانه خود را طی ۳ مرحله از ۹ صبح تا ۱۲ بعداز ظهر و ۶ تا ۹ شب ادامه دهند. نانویان و کارگران معترض با اشاره به سطح پایین درآمدها از مسئولان انجمن صنفی خود خواستند مانع اجرای این طرح شوند. تا پیش از این نانویی‌های سنندج از پنج صبح تا ۱۵ بعداز ظهر یکسره به پخت مشغول بودند.

### اجتماع اعتراض آمیز کارگران کارخانه نساجی قائم شهر

روزنامه کیهان ۱۸ تیر- جمعی از کارگران کارخانه نساجی قائم شهر به دلیل عدم دریافت مطالبات سنواتی و حقوق دوماه گذشته مقابل فرمانداری این شهر دست به اجتماع اعتراض آمیز زدند.

حدود ۳۰۰ کارگر این واحد تولیدی ضمن پیمودن مسیر ۴ کیلومتری کارخانه تا مرکز شهر برای بیان و انتقال مشکلات کار و کارگری اقدام به تجمع اعتراض آمیز مقابل فرمانداری قائم شهر کرده و خواهان حضور فرماندار در جمع کارگران و پاسخگویی به معضلات صنفی خود شدند.

در جریان این اجتماع اعتراض آمیز با تشکیل جلسه شورای تأمین در محل فرمانداری از نمایندگان کارگران خواسته شد برای طرح و بررسی مشکلات کارگری و نشست و گفت و گو با فرماندار تعداد ۱۰ تا ۵۰ کارگر در سالن اجتماعات فرمانداری حضور یابند تا مشکلات این کارخانه در یک جلسه حضوری مورد بررسی قرارگیرد.

اجتماع اعتراض آمیز کارگران نساجی تالار قائم شهر با توافق فیما بین فرماندار و کارگران مبنی بر پیگیری مشکلات و پرداخت مطالبات توسط کارفرما و ادامه فعالیت‌های تولیدی کارخانه توسط کارگران سرانجام پس از ۵ ساعت خاتمه یافت.

کارخانه نساجی تالار قائم شهر با قدمت ۲۵ سال یکی از واحدهای تحت پوشش صنعت نساجی مازندران است که ۹۰۰ کارگر آن در اعتراض به عدم پرداخت حق حقوق گذشته از اول تیر دست از کار کشیدند و به دلیل بلاتکلیفی و عدم حضور و پاسخگویی مدیرعامل در محیط

کارخانه اقدام به راهپیمایی و اجتماع در مقابل فرمانداری قائم شهر کردند.

### کارگران کوه فرد اصفهان تجمع کردند

روزنامه کار و کارگر ۱۸ تیر- به دلیل یک سال بلاتکلیفی کارگران شرکت صنایع کوه فرد اصفهان که مدت یک سال است حقوق دریافت نکرده و بلاتکلیف هستند جهت رسیدگی به وضعیت خود در اداره کل صنایع و معادن اصفهان تجمع نموده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. ۲۰۰ تن از کارگران صنایع کوه فرد اصفهان که به تولید پخش اتومبیل و تلویزیون‌های رنگی مشغول بودند مدت یک سال است که بلاتکلیف هستند.

بقیه در صفحه

### تجمع ۱۰ هزار کارگر بیکار شده شهرداری تهران

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ تیر- نماینده کارگران بیکار شده شهرداری تهران گفت: بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران بیکار شده شهرداری، این هفته مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کرده و دست فروشی خواهند کرد.

### تحصن کارگران کارخانه اقبال یزد

خبرگزاری ایسنا ۲۴ تیر- کارگران کارخانه اقبال یزد با تحصن در خیابان فرخی یزد، خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.

این کارگران به مدت چهار ساعت با مسدود کردن خیابان فرخی یزد ضمن اعتراض به طرح اصلاح قانون کار، خواستار رسیدگی به طرح بازنشستگی پیش از موعد و دریافت حقوق عقب مانده خود شدند.

### تجمع اعتراض آمیز کارگران فرش ساوین

روزنامه کاروکارگر ۲۴ تیر- دهه‌تن از کارگران اخراج شده شرکت فرش ساوین ( فرش مازندران سابق ) به همراه خانواده‌های خود در اعتراض به عدم پرداخت حق و حقوق خود دست به تجمع در مقابل درب این شرکت زدند. معترضین به مدت ۲ روز به طور شبانه روزی در این مکان تحصن نمودند و مدیریت شرکت هنوز پاسخی به کارگران نداده است. لازم به یادآوری است که این کارگران ۴۰ ماه حقوق خود را دریافت نموده‌اند. این در حالی است که این کارگران هرکدام در حدود ۱۰ الی ۲۵ سال سابقه کار دارند و مدیریت برای انعقاد قرارداد موقت کار، این کارگران دائم را از کار اخراج نموده

است. گفتنی است تجمع کارگران به همراه خانواده‌ها نشان تا حصول نتایج قطعی ادامه خواهد داشت.

### بلاتکلیفی ۱۰۸ کارگر

روزنامه کاروکارگر ۲۴ تیر- جمعی از کارگران پشم بافی آسیا در کرمان با تجمع در مقابل اداره کل کار کرمان خواستار حل مشکلات خویش شدند. آنان می‌گویند که ظرف یک سال گذشته حقوق و مزایا دریافت نکرده‌اند و به دلیل عدم ارسال لیست بیمه به تأمین اجتماعی، دفترچه بیمه کارگران تمدید نمی‌شود.

### آمده‌اند تا نورد و لوله اهواز را تعطیل کنند

روزنامه کاروکارگر ۲۵ تیر- کارکنان شرکت نورد و لوله اهواز در تجمع اعتراض آمیز خود ضمن انتقاد از وضعیت موجود شرکت خواهان رسیدگی مسئولان شدند. آنان می‌گویند، تا پایان سال گذشته وضعیت شرکت به لحاظ تولید پرداخت حقوق و مزایا بسیار عالی بود، حال چگونه است که با تغییر مدیریت (مدیرعامل و قائم مقام مدیر عامل) میزان تولید امروز به صفر رسیده است.

کارکنان معترض نورد و لوله اهواز با انتقاد از توقف تولید و ایجاد جو ناامنی شغلی در میان کارگران مدعی شدند که مدیران جدید قصد دارند که صدها هکتار از اراضی و میلیاردها تومان قطعات صنعتی موجود در انبارها و ماشین آلات شرکت را به فروش رسانند، با این تفاسیر آیا کارگران به عنوان سهام داران شرکت حقی از این اموال نداریم.

### اجتماع اعتراض آمیز کارگران فرآورده‌های غذایی مشهد

روزنامه کاروکارگر ۲۷ تیر: دهها کارگر شرکت فرآورده‌های غذایی مشهد با تجمع در مقابل اداره کل کار و امور اجتماعی استان خراسان، خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند.

به گزارش خبرنگار ستاد خبری خانه کارگر، کارگران تجمع‌کنندگان عدم پرداخت حقوق خود، به مدت سه ماه متوالی را علت این اجتماع بیان کردند. یکی از کارگران تجمع‌کننده، در تشریح وضعیت کارگران شرکت فرآورده‌های غذایی مشهد اظهار داشت: مدتهاست که این شرکت با مشکل فقدان مدیریت روبروست و هیات مدیره جدید شرکت که به تازگی منصوب شده‌اند نیز تا به حال نتوانسته‌اند از مشکلات شرکت بکاهند.

## تجمع و تظاهرات پرشکوه بیش از ۹۰ هزار تن از کارگران

این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است

اطلاعیه -

## درد بر کارگران دلبر ایران

ما از خواسته‌های بر حق کارگران ایران پشتیبانی کرده و همبستگی خود را با آنان اعلام می‌داریم.

صبح امروز هزاران تن از کارگران دلبر کارخانه‌های تهران در اعتراض به تعرض رژیم به پایداری حقوق آنان، سطح زندگی و معیشتشان دست به یک تظاهرات گسترده در مقابل سازمان تامین اجتماعی و اطراف آن زدند. در حالی که کارگران به طور مسالمت آمیز خواستار احقاق حقوق خود بودند، نیروهای سرکوبگر رژیم به اجتماع عظیم کارگران حمله نمودند. در مقابل کارگران با پرتاب سنگ به مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم برآمدند. در درگیری بین کارگران و نیروهای سرکوبگر رژیم، هزاران کارگر زخمی و دستگیر شدند و شیشه‌های شماری از بانکها و مراکز سرکوبگر رژیم خرد شد و بیش از سه ساعت در اطراف محل تظاهرات و اجتماع کارگران ترافیک سنگین به وجود آمده بود.

نمایندگان کارگران کارخانه‌های ریسندگی اصفهان، اتحادیه کارگران صنعت آب و برق ایران، کارگران کارخانه‌های استانه‌های همدان، تبریز، قزوین، یزد و تعداد زیادی از دیگر کارخانه‌های سراسر کشور در این تظاهرات شرکت کرده و با شعارها و پلاکاردهای خود، همبستگی کارگران ایران را اعلام کردند.

کارگران در این تظاهرات خواستار به رسمیت شناختن حق اعتصاب، حق تشکلهای مستقل کارگری شدند و سیاست دولت خاتمی مبنی بر تغییر قانون کار به سود سرمایه‌داران را یک تعرض آشکار به سطح زندگی و معیشت کارگران اعلام کردند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ضمن اعلام همبستگی با کارگران ایران و ضمن حمایت از خواسته‌های بر حق آنان، خواستار آزادی سریع کارگرانی که امروز دستگیر شدند می‌باشد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، خواستار اقدام سریع و عاجل سازمان بین‌المللی کار و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سازمانهای مدافع حقوق بشر و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری سراسر جهان برای آزادی کارگران دستگیر شده و فشار به رژیم حاکم بر ایران برای به رسمیت شناختن حقوق کارگران و توقف اقدامات ارتجاعی علیه کارگران است.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

سه شنبه ۲۵ تیر ۱۳۸۱

۱۶ ژوئیه ۲۰۰۲



به گزارش ستاد خبری خانه کارگر، کارگران با شعارهای (زالو صفت حیاکن، کارگر را رهاکن، کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد، تامین اجتماعی این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است و دهها شعار دیگر در ابتدا دو بار سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار و امور اجتماعی را دور زدند و سپس با تجمع در مقابل سازمان و وزارتخانه مزبور مراسم خود را ادامه دادند.

گزارش خبرنگار ما حاکی است جمعیت کارگران آنقدر زیاد بود که بسیاری از دسته‌های کارگران موفق نشدند از میدان آزادی جلوتر بیایند. کارگران در راهپیمایی دیروز با سردادن شعارهای مدیر بی کفایت، استعفا، استعفا، خواستار آن شدند که مدیر سازمان تامین اجتماعی که از اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد جلوگیری می‌کند، از سمت خود استعفا کند. همچنین در میان جمعیت پلاکاردهایی با این مضمون که سازمان تامین اجتماعی فراموش کرده صاحبان اصلی اش چه کسانی هستند دیده می‌شد.

کارگران در این راهپیمایی با سردادن شعار

کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد، اد خواستار حمایت سایر اقشار اجتماعی به ویژه دانشجویان از جنبش کارگری کشور شدند. آنها همچنین با شعار قانون پیش از موعد اجرا باید

گردد، قرارداد موقت ملنی باید گردد به بیان مهمترین خواسته‌های صنفی خود پرداختند.

تظاهرات کارگران افزایش یافته است. بنا به آخرین تحقیقات رسمی ایران حدود ۵ میلیون بیکار در سال ۲۰۰۵ خواهد داشت که بیش از ۱۶،۶ درصد از سال ۲۰۰۲ می‌باشد.

## خبرگزاری باز هم گل کاشت

روزنامه کارو کارگر ۲۶ تیر - از جمله آخرین بی‌مبالاتی این خبرگزاری این بود که تعداد کارگران شرکت کننده در راهپیمایی را حداکثر ۴ هزار نفر اعلام کرد. این در حالی است که خبرنگاران رادیو و تلویزیون تعداد شرکت کنندگان را بیش از ۹۰ هزار نفر اعلام کردند که در اخبار رادیویی و تلویزیونی انعکاس یافت از خبرگزاری جمهوری اسلامی حداقل انتظار این است که واقعیت آشکار را که در مقابل چشم خود دیده بود به طور واقعی منعکس کند.

## اجتماع بزرگ، نمایش حضور

روزنامه کارو کارگر ۲۶ تیر - با برگزاری یک راهپیمایی بزرگ و با شکوه دهها هزار کارگر خواستار عدم



تغییر قانون کار شدند.

افرادی که از خیابان آزادی عبور می‌کردند، شاهد صحنه‌های پرشکوه و هیجان‌انگیزی از اتحاد بیش از ۹۰ هزار کارگر در حمایت از قانون کار و حقوق صنفی و اجتماعی خود بودند.

## پلیس تهران به تظاهرات کارگران گاز اشک آور پرتاب کرد

خبرگزاری رویتر ۲۵ تیر - شاهدان عینی گفتند روز سه شنبه، پلیس ایران برای متفرق کردن هزاران کارگر که علیه تغییرات قانون کار دست به تظاهرات زده بودند اقدام به شلیک هوایی و پرتاب گاز اشک آور کرد. حدود ۱۵ هزار کارگر در جلوی ساختمان تامین اجتماعی بعنوان اعتراض علیه وضعیت بد کارگری، حقوق کم و در اعتراض به تغییر قانون کار جمع شده بودند. کارگران فریاد می‌زدند، سرمایه‌دار کارگر را رها کن " بعضی‌ها تصاویر رئیس اداره تامین اجتماعی را آتش زدند و فریاد می‌زدند "ماسر بازان قدیمی بودیم، گرسنه گان فعلی هستیم".

## علیرضا محبوب: آشوبگران، جزو کارگران تجمع کننده نبودند

خبرگزاری ایسنا ۲۵ تیر - علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر به خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: کسانی که شعار سیاسی می‌دادند، حدود ۲۰ نفر بودند که با سنگ انداختن و شعار دادن سعی در ایجاد بحرانی داشتند که رفع شد. وی اضافه کرد: این افراد که از زده‌های سازمان تامین اجتماعی بالا می‌رفتند، سنگ می‌انداختند و تعدادی از شیشه‌های سازمان را شکستند و در هنگام فرار برخی از آنان به خانه‌های اطراف می‌رفتند. در این اتفاق کارگران به هیچ وجه مقصر نیستند و ما نمی‌دانیم آنها چه کسانی بودند و از کجا آمده‌اند.

وی با این توضیح که بعد از پایان تجمع، حسن صادقی رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در مقابل کسانی که شعار سیاسی می‌دادند، ایستاده تا از این اقدام آنها جلوگیری کند، تصریح کرد: ضرب و شتم کارگران زمانی شروع شد که جمعیت پراکنده شده بودند و شاید بیش از ۲۰۰ نفر هم آنجا حضور نداشتند.

## ۲۴ زخمی، ۶ دستگیری در تظاهرات کارگران در تهران

خبرگزاری فرانسه ۲۶ تیر - هنگامی که کارگران معترض سعی داشتند به وزارت کار یورش ببرند ۲ نفر زخمی و ۶ نفر دستگیر شدند و توسط پلیس با استفاده از گاز اشک آور متفرق گشتند در ماه‌های اخیر به واسطه بدتر شدن بحرانهای اقتصادی و افزایش بیکاران

به مدت ۶ روز تمام کشور آشفته شد. خیلی از دانشجویان زندان شدند و ۸ نفر از آنها هنوز در زندان به سر می‌برند.

### ۱۴۰ نفر در حوادث سه شنبه تهران بازداشت شدند

روزنامه ایران ۲۰ تیر: بیش از ۱۴۰ نفر در ناآرامیهای سه شنبه تهران بازداشت شدند. معاون سیاسی-امنیتی استانداری تهران با بیان این مطلب به خبرنگار سیاسی ایران گفت، دستگیر شدگان هم اکنون در مرحله بازجویی قرار دارند. وی از ذکر هویت بازداشت شدگان خودداری کرد، اما گفت که این افراد دانشجو نبوده اند. وی تجمع برگزار شده در مقابل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف را غیرقانونی اعلام کرد.

۹۴ نفر در ناآرامیهای اصفهان بازداشت شدند. مقام مسئول در اصفهان گفت، ۹۴ نفر در جریان راهپیمایی غیرقانونی و ناآرامیهای عصر و شامگاه سه شنبه در این شهر دستگیر شدند.

### ۱۸ تیر از نگاه رسانه‌های جهانی

راديو آلمان ۱۹ تیر: اخبار گردهمایی و تظاهرات شب گذشته در مقابل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف آن به طور وسیعی در رسانه‌های گروهی بازتاب داشته است. در گزارشی که از سوی آژانس خبری اروپا مخابره شده آمده است، خیابانهای اطراف دانشگاه تهران در شب گذشته، صحنه درگیری میان دانشجویان و جوانان با نیروهای امنیتی بود. مردم تهران به خصوص قشر جوان دسته دسته برای نشان دادن خشم و اعتراض خود نسبت به وضع حاکم به سوی دانشگاه تهران و میدان انقلاب به حرکت در آمدند ولی قبل از نزدیک شدن به محوطه دانشگاه با گاردی ویژه ضدشورش مواجه می‌شدند. با این حال هزاران تن از آنها موفق گردیدند خود را به درب اصلی دانشگاه تهران برسانند.

در ادامه این گزارش آمده، بنابر اخبار رسیده از تهران نیروهای حکومتی حدود ساعت ۱۰ شب به وقت محلی به شدت به تظاهرکنندگانی که در حال شعار دادن بودند یورش برده و با کمک باتومهای بلندی که در دست داشتند تعداد زیادی از آنها را مجروح ساختند.

یک دیپلمات اروپایی در تهران که نخوست نامش فاش شود در تماس با یک آژانس خبری گفته است، اوضاع در تهران به شدت ناآرام بوده و مقامات حکومتی از روزها قبل در ترس و وحشت به سر می‌برند.

بقیه در صفحه ۱۰



### تظاهرکنندگان با نادیده گرفتن ممنوعیت تظاهرات با پلیس ضد شورش درگیر می‌شوند

روزنامه نیویورک تایمز ۱۸ تیر، در سالگرد تظاهرات دانشجویان در دانشگاه تهران، تظاهرات کنندگان در ناامیدی و به تنگ آمدن از رژیم سرکوبگر در دو منطقه با نیروهای امنیتی درگیر شدند.

اول در دانشگاه و بعد در منطقه ثروتمند شمال تهران، میدان مادر، پلیس و داوطلبان مذهبی با باتوم به هزاران تن از تظاهرکنندگان که در اعتراض به ممنوعیت تظاهرات جمع شده بودند، حمله کردند.

وزارت کشور از ترس بر پای آشوب از دادن اجازه به دانشجویان خودداری کرد. حتی وقتی که هسته اصلی دانشجویان در روز یکشنبه تصمیم گرفت که از برپایی تظاهرات خودداری کند، حدود ۳ هزار نفر از مردم در پاسخ به یک ماه دعوت به تظاهرات از طرف رادیو و تلویزیون اپوزیسیون به خیابانها ریختند.

خارج از درهای دانشگاه، تظاهر کنندگان شعار می‌دادند، «وای به روزی که مسلح شویم»، «ایران فلسطین دیگری شده» و از زیر ضرب و شتم باتوم پلیس فرار می‌کردند.

شاهدان گفتند که پلیس گاز اشک آور استفاده کرد و یک عابر گفت که نیروهای امنیتی همان طور که با باتوم زنان را می‌زدند حتی پیرزنان را، روسری آنها را از سرشان می‌کشیدند و آنها را بر روی زمین می‌کشاندند.

تعداد دستگیربها مشخص نیست، اما یک نفر که به مرکز پلیس برده شده بود و بعد آزاد شد گفت که ۵۰ نفر دیگر مثل او در آن مرکز بودند.

در میدان مادر، شاهدان گفتند که تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند «وحدت، آزادی» و کم کم توسط نیروهای پلیس متفرق شدند. ساکنان منطقه که بیرون آمده بودند تا ببینند چه خبر است در مابین درگیری گیر کرده بودند. یک مرد ۶۷ ساله گفت که در حالی که داشت می‌دوید، یک نیرو امنیتی با تفنگ به او نشانه رفت و به او گفت که اگر میدان را ترک نکنی، او شلیک خواهد کرد.

وقایعی که تظاهرات امروز را به دنبال خود آورد به تظاهرات دانشجویان در سال ژوئیه ۱۹۹۷ بر می‌گردد که در آن دانشجویان به خاطر بسته شدن یک روزنامه تظاهرات کردند و در آن یک نفر گشته شد و بعد از آن

### جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر

ادامه یافت گردید. خبرگزاری فرانسه از تهران گزارشی از تظاهرات ۵ تا ۶ هزار نفر از زنان و مردان ایران زمین در اطراف دانشگاه تهران مخابره نمود. نیروهای سرکوبگر رژیم با شلیک

### درد بر زنان و مردانی که با دلاوری یاد قیام ۱۸ تیر را گرامی داشتند



گاز اشک‌آور و دستگیری جوانان در صدد کنترل اطراف دانشگاه برآمدند. بر اساس گزارشهای رسیده در دیگر شهرهای بزرگ، تظاهراتی در گرامیاداشت قیام ۱۸ تیر و ابراز نفرت و انزجار از رژیم استبدادی مذهبی و ولایت فقیه صورت گرفته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با درود به زنان و مردانی که با شجاعت یاد قیام ۱۸ تیر را گرامی داشتند، خواستار اقدام عاجل نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان تظاهرات امروز می‌باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سه شنبه ۱۸ تیر ۱۳۸۱

۹ ژوئیه ۲۰۰۲

در حالی که سرکوبگران رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر کشور ما، سراسر تهران و شهرهای بزرگ را به یک پادگان نظامی تبدیل کرده و به خصوص حوالی دانشگاه تهران را با انبوهی از نیروهای سرکوبگر، اشغال نظامی کرده‌اند، عصر امروز هزاران تن از مردم کشور ما با شعار «اتحاد، اتحاد»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «زنه باد آزادی» و نیز با سر دادن شعارهایی علیه رژیم، در حوالی دانشگاه دست به تظاهرات زدند به شکلی که خبرگزاری دولتی دانشجویان (ایسنا) در ساعت ۷ و ۴۲ دقیقه بعد از ظهر مجبور به مخابره گزارشی از این تظاهرات قهرمانانه و «مختل شدن» آمد و شد در محدوده اطراف دانشگاه شد. زنان و دختران جوان نقش برجسته‌ای در این تظاهرات داشتند. خبرگزاری دولتی ایسنا در ساعت ۸ و ۲۵ دقیقه بعد از ظهر نیز مجبور به پخش خبر تظاهرات جوانان که از خیابان ۱۶ آذر شروع شد و به سمت میدان انقلاب



## خبرها و ریشه ها

— لیلای  
usalayla@yahoo.com

ماه گذشته مجمع تشخیص مصلحت رژیم ولایت فقیه، حد اقل سن قانونی ازدواج را برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین کرد. طبق این مصوبه، ازدواج زیراین سنین با اجازه خانواده این نوجوانان و کودکان و صلاحدید دادگاه امکان پذیر می باشد.

**دیدگاه دو زن از وابستگان رژیم:**  
بنا به نوشته روزنامه ایران فاطمه راکی، رئیس فراکسیون زنان مجلس، مصوبه اخیر را "تاسف بار" خواند و گفت ازدواج در این سنین هیچگاه پاسخگوی نیاز های جامعه نیست.

فاطمه خاتمی، مخبر کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز در مصاحبه ای به خبرنگار ایسنا گفت: "در مناطقی از کشور به دلیل فرهنگ و سنتهای خاصی سالهاست که هم پسر ها و هم دخترها در سنین پائین ازدواج می کنند، بنابراین نباید این سنین را به ناگهان محو کرد." او افزود: "این که ماتشخیص دهیم یک سن مثلاً ۱۸ سال برای ازدواج در کل دنیا مناسب است منطقی نیست." خاتمی افزود که به نظر او سن ۱۵ برای دختران و ۱۸ برای پسران سن قابل قبولی برای جامعه ما است.

در همین رابطه فریده غیرت و کیل دادگستری در تهران طی مصاحبه ای با رادیو آزادی اظهار داشت تصویب ازدواج در این سنین شاید راه حل باشد ولی راه حل قطعی برای مشکل ازدواجهای زود رس نیست. او گفت "اگر معافیت از شرط حداقل سن را بنا به شرایطی ادامه دهیم ما همچنان در دهات و شهرهای کوچک شاهد ازدواج دختران ۹ ساله که غالباً خانواده آنان به دلیل فقر و کم کردن یک نانخور آنان را وادار به ازدواج می کنند، خواهیم بود."

البته باید توجه داشت که علیرغم همه این صحبتها و صرف نظر از این که حد اقل سن ازدواج چه مقدار تعیین شود وقتی قانون مزبور با استثنائاتی هم چون اجازه خانواده و صلاحدید دادگاه از خود سلب اعتبار می نماید، عملاً ازدواج در هر سنی مجاز خواهد بود و مانعی برای ازدواج اجباری کودکان وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر مفهوم عملی قید "اجازه خانواده" آن گونه که

در نگاه اول به چشم می خورد، تنها یک نظر مشورتی نیست بلکه یک رای قانونی به شمار می رود که منظور نمودن آن در صدور حکم برای دادگاه الزامی ست. به این صورت که قانون شرع برای توقیف کردن سلب حقوق کودکان و زنان، در یک ماده جداگانه، تصمیم گیری در مورد ازدواج اطفال دختر را منحصر در اختیار "پدر و جد پدری" قرار داده است.

## نگاهی به قوانین جمهوری اسلامی پیرامون اجازه پدر برای ازدواج دختر

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی رژیم قبل از اصلاحیه سال ۱۳۶۱ مقرر می داشت "نکاح دختری که شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد ملزم به اجازه پدر یا جد پدریست.. اما به نظر می رسد ماده مزبور به اندازه کافی دیدگاههای قرون وسطایی ملاها را بازتاب نداده است زیرا پس از اصلاحیه ۱۳۶۱ جمله "اگر چه به سن ۱۸ رسیده باشد" به "اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد" تغییر پیدا کرد و حدنصاب ۱۸ سال حذف گردید. در یک "پیشرفت" دیگر و طی اصلاحیه ۱۳۷۰، عبارت "دختری که هنوز شوهر نکرده" نیز به "دختر باکره" تبدیل شد. مینا و منشاء این ماده در فقه اسلامی می باشد که با این برهان که دختران نمی توانند صلاح خود را در امر ازدواج تشخیص دهند، پدران و اجداد آنان را مختار به تعیین سرنوشت آنها نموده است. به این ترتیب می بینیم که هر دو تغییر در این قانون تنها با هدف تشدید و تحکیم قیومیت پدر بر دختران صورت گرفته است. بدین گونه که از یک سو رسماً پدر را مجاز به مزدوج نمودن کودک دختر خود پس از رسیدن به "سن بلوغ" شرعی (یعنی از ۹ سال به بالا) کرده و از سوی دیگر سقف زمانی دوران تحمل نظر او را با تعیین شرط "باکره بودن" باز گذاشته است. طبق قوانین زن ستیز این رژیم، دختران در هر سنی که باشند، احساس و عواطف آنان قابل پامالی و بدون حق تصمیم گیری در باره سرنوشت خود می باشند. آینده کودکان، نوجوانان و دختران جوان نه به دست آنها و با حمایت قانون، بلکه توسط مردانی که خود به خاطر نقض حقوق بشر باید مورد تعقیب قرار بگیرند. ساخته می شود. تأثیرات این سلب اختیار و ازدواجهای قانوناً حمایت شده اجباری را می توان حتی در آمار رسمی حکومت پیرامون

میزان طلاق نیز مشاهده کرد. در این زمینه هم قوانین مذهبی با چنگ و دندان به دفاع از حریم مرد سالارانه خود برخاسته اند.

## طلاق حریمه ای در دست مرد، تلاشی بیهوده برای زن

جای تعجب نیست که حمیدیان رئیس مجمع قضائی خانواده در تاریخ ۲۳ ژوئن در مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی می گوید که در حال حاضر از هر ۴ ازدواج در تهران یکی به طلاق ختم می شود. این در حالیست که طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، حق طلاق در اختیار مرد است و زنان راه دشواری را باید برای آن طی کنند. حمیدیان در این مصاحبه گفت که امروز ۳۰ هزار پرونده در مجتمع قضائی در نوبت رسیدگی به سر می برند. او اضافه کرد ایران چهارمین کشور پر طلاق دنیا است و اگر اصل ۱۰ قانون اساسی را از مسولان کشور امتحان بگیرند رد خواهند شد زیرا طبق این اصل خانواده واحد بنیادی جامعه است و تمام قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای کشور باید در جهت تقویت و پایه ریزی این بنیاد اصلی باشد.

خبرگزاری آسوشیتد پرس در رابطه با ازدواجهای زودرس در تاریخ ۷ ژوئیه می نویسد که قتل همسر یکی از واکنشهای شیوع بابنده دیگر یست که هم اکنون زنان نشان می دهند. از دی ماه سال گذشته تا به حال، حداقل ۲۰ زن به جرم قتل شوهران خود محکوم شده اند. این زنان غالباً بدلیل ازدواج در سن پائین، ازدواج اجباری، فشار و زورگوئی همسر، ناتوانی، فقر و غیرقانونی بودن روابط آزاد زن و مرد اقدام به قتل همسر خود می کنند. این نوشته از زنی به نام فردوس یاد می کند که در سن ۱۳ سالگی با مرد ۱۸ ساله ای ازدواج می کند و پس از ۳۰ سال تحمل زندگی ناخواسته و روبرو شدن با قوانین سخت طلاق به گفته حکومت دست به قتل همسر می زند و سپس محکوم به اعدام می گردد.

مجله زنان نیز در این باره می نویسد "طلاق اولین راه حل رهائی از ازدواج است اما به دلیل این که این کار برای مردان سهل و برای زنان تا ۲۰ سال آن هم غالباً بی نتیجه می تواند طول بکشد راه چاره ای باقی نمی ماند." از طرفی صیغه کردن که نوع دیگری از خودفروشی است برای مردانی که می توانند طبق رهنمود شرع ۴ زن داشته باشند آزاد است اما چنانچه زنی مورد ضرب و شتم شوهر قرار بگیرد برای

اثبات آن باید ۴ مرد شهادت بدهند. حال این که چگونه یک زن می تواند در اطاقش ۴ شاهد مرد داشته باشد سئوالی ست که باید آنرا قانون نویسان پوک مغز و حیلہ گر جواب بدهند.

خبرگزاری آسوشیتد پرس (۷ ژوئیه) از قول یک وکیل دادگستری به نام ابوالصمد خرم شاهی نوشت: "زنان در ایران جرئت و شجاعت بیشتری پیدا کرده اند و نسبت به گذشته برای برابری مبارزه بیشتری می کنند." این خبر از افزایش ۱۲ درصد طلاق در سال گذشته و کاهش چهارو نیم درصد اسم نویسی برای ازدواج یاد می کند.

بازدواجهای اجباری، ازدواج در کودکی و قبل از این که جوانان دوران تحصیل خود را سپری کنند می توان به روشنی گمان برد که اگر چنان چه بندهای قانونی طلاق برداشته می شد و تامينات اقتصادی و اجتماعی برای زنان وجود داشت، درصد طلاق و گسستن بندهائی که زنان ایرانی را وادار به تمکین می کند به چندین برابر افزایش یافته و پیوستهها بر پایه ارزشهای دیگر گونه ای بنا می گردید. مجازاتهای وحشیانه ای که حکومت علیه زنان به کار می بندد تنها تلاشی بی حاصل در محو این خواسته از ذهن آنان و حفظ روابط ضد انسانی موجود است. در این هدف ملاهای زن و مرد به یکسان شریکند.

## حکم سنگسار حفظ حرمت

### خانواده!!!!

در ماه گذشته و در میان "شاهکارهای" زنان سرسپرده ای که در رژیم ملاها به زندگی موربانه ای و حقیر خود چسبیده اند می توان از گفته های زهرا شجاعی، رئیس مرکز مشارکت زنان، در ملاقاتش با معاون نخست وزیر و وزیر کار بلژیک یاد کرد. بنا بر خبر مندرج در روزنامه رسالت ۱۵ تیرماه، «در پاسخ به انتقاد این مقام بلژیکی از مجازات سنگسار» او با دفاع محکم خانم زهرا شجاعی روبرو شد که به او توصیه کرد "به تبلیغات گروههای تروریستی علیه اسلام توجه نکند و بداند که حکم سنگسار در اسلام با هدف حفظ حرمت حریم خانواده وضع شده است. «

با این حساب و بنا به قوانین جمهوری اسلامی، "قتلهای ناموسی" نیز در حل و فصل مشکلات خانوادگی جایگاه خود را یافته اند.

## خبرها و ریشه‌ها

بقیه از صفحه ۹

## نگاهی به قوانین مجازات عمومی رژیم در رابطه با «قتلهای ناموسی»

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که تا سال ۱۳۶۱ برجا بود در ماده ۱۷۹ مقرر می داشت که «هرگاه شوهری زن خود را یا مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو را صورت دهد از مجازات معاف است» اگر چه این ماده در قانون قصاص ۱۳۶۱ حذف می شود اما ماده ۲۲ قانون حدود و قصاص سال ۱۳۶۱ و ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ به گونه ای نوشته می شود که حکم ماده ۱۷۹ را امکان پذیر می کند. طبق ماده مذکور «قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعا مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند». (مباحثی

در حقوق زن، دکتر حسین مهرپور) بنابراین با در نظر گرفتن این که این ماده اساسا مبنای فقهی دارد زن مستحق قتل می شود. خمینی به قتل رساندن زن را دفاع مشروع در مقابل تجاوز به «عرض و ناموس» خوانده و این مسأله را در زمره نهی از منکر و امر به معروف معرفی می کند. او هم چنین ارتکاب به قتل را روشی عملی برای بازداشتن از عمل «نامشروع زنا»، جایز دانسته است. بر مبنای صدور چنین مجوزهای آدمکشی است که سالانه صدها زن چه به دست همسران خود و چه در گودالهای مجازات حکومت به قتل می رسند. بی ارزشی حق حیات زنان در دیدگاه ملاحا به ویژه هنگامی که مسئله به قربانیایی بی دفاع در نظام مربوط می شود، ابعاد بی پرده تری به خود می گیرد و این با توجه به موقعیت فاجعه باری که هزاران زن با آن دست و پنجه نرم می کنند، هشدار دهنده است.

**مطالبات زنان «شایسته چیست»**  
رایب صدای آزادی در تاریخ ۳۱ خرداد به گزارشی از روزنامه حیات نو استناد کرد و گفت در تهران ۳۰۰ هزارتن از زنان تنگدست به خودفروشی روی آورده اند. بنا به آمارهای رسمی سازمان تامین اجتماعی، بیش از یک میلیون و هفصد هزار زن یعنی ۶۰ درصد از جمعیت زنان کشوری خانمان هستند و از این رقم ۳۰۰ هزارتن از آنها اقدام به تن فروشی می کنند. سال گذشته انجمن روانشناسی ایران هشدار داده بود که روزانه بیش از ۲۰ دختر دست به خودکشی می زنند. اما این آمار تکان دهنده موجی برای نگرانی حکومت و

دستیاران آن محسوب نمی شود. به عنوان مثال خانم فاطمه راکی که به اصطلاح ریاست کمیته زنان، جوانان و خانواده مجلس را یدک می کشد، ترجیح داده است به جای نزدیک شدن به تابوهای رژیمش، در تاریخ ۴ تیرماه در روزنامه نوروز گله گذاری کند که: «با وجود این که نمایندگان زن مجلس گامهای متعددی بر داشته اند ما نتوانسته ایم زنان برجسته و شاخص کشور را در سطح وزارت در کابینه دوم اصلاحات ببینیم بلکه علی رغم همه تلاشهایمان و قولهای مساعد رئیس جمهور همکاری گسترده زنان شایسته و حتی پستهای میانی عملا تحقق نیافته است». به نظر می رسد که این نماینده زن مجلس یا از واقعیت ستم بر زنان و وضع اسفبار میلیونها زن ایرانی بی خبراست و یا دغدغه پستهای خیالی چندان ذهنش را اشغال کرده اند که از صحن مجلس و کابینه پا به بیرون نگذاشته است. او به واقع نیز نمی تواند بگوید که چگونه محدودیتهای اعمال شده بر زنان، یک عامل اصلی به فقر و دربه دری کشاندن آنهاست زیرا این ملای قانونگذار مونث نیز از جمله تدوین کنندگان قوانینی ست که زنان و فعالیتهای اجتماعی طرد نموده است.

## از موارد ممنوعیت کار زنان در قوانین جمهوری اسلامی

طبق ماده ۷۵ قانون کار یکی از محدودیتهای کاری زنان «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی» است. اما این محدودیت که در پوشش خیرخواهانه حق انتخاب آزادانه شغل را از زنان سلب می کند به همین جا ختم نمی شود. دو گونه محدودیت دیگر نیز در قانون برای زنان منظور شده است که یکی ممنوعیت برخی از مشاغل به خاطر منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی امنیتی و رعایت وضع خاص زنان و دیگری محدودیت مربوط به زن شوهر داراز

## اشتغال به مشاغلی که با مصالح خانوادگی در تضادند.

در این صورت اگر زنان «شایسته» جواب قانونی برای تبعیض شغلی پیدا نمی کنند باید رجوع کنند به لیست بلندی که شامل محدودیتهای غیر قانونی رژیم استبدادی ولایت فقیه برای ستم و تبعیض می شود و صد ها هزار زن را به آوارگی، تن فروشی، اعتیاد و غیره کشانده است.

طاهره رضازاده، عضو فراقسیون زنان در مجلس رژیم و نماینده شیراز، در تاریخ ۱۰ تیر در گفتگو با ایرنامی گوید

زنان در ایران در وضعیتی مشابه با مردان دستمزد کمتری دریافت می کنند. اوگفت که «حق عائله مندی حق اولاد و حق فوت به زنان شاغل پرداخت نمی شود». وی افزود: «پس از دوم خرداد ۷۶ زمینه های رفع این تبعیض فراهم شده بود. فکر نمی کنم ۵ سال فرصت کمی بوده باشد». پیرامون «شایسته سالاری» در جمهوری اسلامی طاهره رضا زاده گفت که بسیاری از زنان به خاطر روابط خانوادگی به درون حاکمیت راه یافته اند و اینان نماینده همه اقشار جامعه نیستند.

## چند خبر دیگر پیرامون وضع زندگی زنان

به گزارش روزنامه عدالت (روز تیر ماه). ۱۳ زن در قم که ۶ نفر دو به دو خواهر بودند به ۱۸۰ ضربه شلاق محکوم شدند. این مجازاتها به روال معمول به بهانه فحشاء صورت می گیرد.

در همین ماه خبرگزاری دانشجویان در مشهد، از تجمع زنان و دختران شهرک قدس مشهد در اعتراض به بی توجهی مسولان شهرداری به خواسته هایشان در مقابل شهرداری مشهد گزارشی می دهد. نبود روشنایی برق که سبب دزدیهای بسیار می شود و فقدان آب آشامیدنی بهداشتی و آسفالت از زمره مشکلات مورد اعتراض بود. نماینده زنان گفت: «در صورتی که چهار طرف ما شهر است ما را خارج از محدوده می نامند. پس ما کجائی هستیم؟ آیا جزو شهر و ندان این کشور محسوب می شویم یا خیر؟»

اطلاعیه —

## پایین بودن سن ازدواج، نقض حقوق کودکان است

روز شنبه اول تیرماه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، طرح اصلاح تصره ماده ۱۰۴۱ مربوط به سن ازدواج را بررسی و تصویب کرد. مجلس رژیم یک سال و نیم پیش، حداقل سن ازدواج برای دختران را از ۹ سال به ۱۵ سال و برای پسران از ۱۳ تا ۱۸ سال افزایش داده بود. اما شورای نگهبان به بهانه این که طرح ارائه شده مغایر با موازین اسلامی است با آن مخالفت کرد. اینک مجمع تشخیص مصلحت نظام در داوری بین مجلس و شورای نگهبان، حداقل سن ازدواج را برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین کرده است. طبق این قانون، ازدواج زیر این سنین مشروط به اجازه پدر و مادر، رعایت مصلحت و با تشخیص دادگاه میسر می شود. قانون یاد شده از دو زاویه ناقص حقوق کودکان ایرانی به شمار می رود:

۱- سن ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسرانی که در مرحله آغازین رشد و شکل گیری فکری و جسمانی به سر می برند و هنوز توانایی تصمیم گیری

برای آینده خود را ندارند، یک تحمیل غیر انسانی و پامالی بی پرده حقوق کودکان و نوجوانان است. در بسیاری از کشورهای جهان، رابطه جنسی و یا ازدواج با دختران در این سن جرم به حساب آمده و با مجازاتهای سنگین کیفر داده می شود.

۲- بنا بر قانون تصویب شده، ازدواج زیر حداقل سنین تعیین شده، با اجازه خانواده و صلاحدید دادگاه مجاز شمرده می شود. با توجه به سیستم حاکم بر دادگاهها و طبق تجربه و کلاسی دادگستری، روال صدور احکام این چنین بوده که با تقاضای خانوادهها برای نادیده گرفتن محدودیت سنی کودکان و به ویژه دختران، موافقت گشته است.

بدین گونه سرنوشت کودکان پیش از رسیدن به سنی که توانایی انتخاب آزادانه و آگاهانه داشته باشند، توسط خانواده و دولت تعیین می گردد. بسیاری از دختران جوان در سنین پایین تحمل بارداری را چه از حیث روحی و احساسی و چه از نظر جسمی ندارند و جان آنان به مخاطره می افتد. این جوانان هنگامی که خود هنوز دوران کودکی را طی می کنند و نیاز به پرورش پدر و مادر دارند نمی توانند از کودکان خود مراقبت کرده و آنها را تحت تربیت و پرورش صحیحی قرار دهند.

این قانون غیر انسانی، نقض حقوق کودکان را به رسمیت شناخته و جوانان و نوجوانان آتی را با آیندهای مبهم که غالبا با شکست، ناکامی، دلشکستگی و افسردگی همراه است، روبرو می سازد. مجمع تشخیص مصلحت، توسط مصوبه خود، جامعه و نسل آینده را از رشد و تربیت سالم محروم نموده است.

نگاه ارتجاعی و غیر انسانی حکام جمهوری اسلامی به بی دفاعترین بخش جامعه یعنی کودکان، یک بار دیگر در مصوبه مزبور خود را به نمایش می گذارد. اعتراض علیه قوانین کودک ستیز نظام ولایت فقیه، وظیفه ای است که اینک در برابر مادران و پدران، و کلاهی متعهد، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق کودکان قرار دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این مصوبه شرم آور، ضد انسانی و ضد حقوق کودکان، توجه خانمها مری رابینسون (کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد)، رادیکا کوماراسوای (گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان) را به این مصوبه ضد انسانی جلب می کند.

ما از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر و حقوق کودکان خواستار برخورد قاطع با رژیم ایران در مورد این گونه قوانین ضد انسانی هستیم.

سازمان چریکهای

فدایی خلق ایران

پنجشنبه ۶ تیر ۱۳۸۰

۲۷ ژوئن ۲۰۰۲

## زنان و مسیر رهایی

-- لیلیا

usalayla@yahoo.com

## تعداد رو به رشد آوارگان جهان

۱۹ ژوئن، آسوشیتد پرس - بنا به گزارش کمیسیون عالی بخش آوارگان سازمان ملل متحد، با این که تعداد آوارگان جهان به دلیل بازگشت هزاران نفر افغانی به سرزمین شان کاهش یافته است، اما هم اکنون میلیونها انسان که اکثر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دهند، آواره هستند. تا پایان سال ۲۰۰۱ تعداد دوازده میلیون و پنجاه و یک هزار آواره وجود داشت که با وجود کاهش ۱۱۰۰ نفر در مجموع این رقم، هنوز از ۳ سال پیش از آن بیشتر است. بودجه کمک به این افراد بسیار ناچیز بوده و هرروزه نیاز به امداد رسانی افزایش می یابد. UNHCP اعلام کرد که چنانچه به این آوارگان کمک نشود "کمپ های آنان مرکز قاچاقهای انسانی و شبکه های جنائی خواهد شد" در سال گذشته حدودا ۴۰ سازمان مددکار به وضع زنان به ویژه توقف استعمار جنسی از آنان در کشورهای گانا، سیرالئون و لیبیا رسیدگی می کردند.

## حق انتخاب بارداری

۲۱ ژوئن، نیشنل نیوز - مجلس سنای امریکا سرانجام با حق انتخاب سقط جنین برای زنانی که در ارتش خدمت می کنند و در خارج از این کشور مستقر هستند موافقت کرد. خانم گلوریا فلدت (Gloria Feldt) در بیانیه ای از طرف فدراسیون برنامه خانواده امریکا گفت با حذف این قانون تبعیض گرایانه "مجلس یک قدم کلیدی در حفظ سلامت زنانی که پاسدار آزادی ما هستند برداشته است."

## عدم تحمل قدرت زنان از سوی بنیادگران اسلامی افغانستان

۲۲ ژوئن، آسوشیتد پرس - حمید کرزائی اعضاء کابینه خود را انتخاب کرد اما پست وزارت امور زنان را خالی گذاشت. او از انتخاب مجدد سیما سمار خودداری کرد. خانم سمار به دلیل دفاع آشکار از حقوق زنان مورد پذیرش افراد مذهبی این دولت نیست. وی حتی بارها از سوی بنیادگرایان اسلامی تهدید گشته است.

## درگذشت نویسنده ای محبوب



۲۲ ژوئن، آسوشیتد پرس - خانم آن لندرز (Ann Lnderr) مقاله نویسنده معروف آمریکائی، در سن ۸۳ سالگی در گذشت. نوشته های او که از سرشناس ترین مقاله نویسان جهان به شمار می آمد در ۱۲۰۰ روزنامه سراسر دنیا که ۹۰ میلیون خواننده دارد به چاپ می رسید. خانم لندرز به خاطر سبک سرزنده، جرقه وار، تند، صریح و ساده اش و همچنین اندرزها و راه حل هایش به میلیونها خواننده، بسیار محبوب بود. او از زمره پر نفوذترین زنان دنیا شناخته می شد.

## عفو نخستین زن قانونگذار اردنی

۲۶ ژوئن - آسوشیتد پرس - شاه عبدالله دوم اولین زن قانونگذار اردنی را که به دلیل متهم نمودن نخست وزیر این کشور به تقلبات مالی در زندان بسر می برد، مورد عفو قرار داد. خانم توچال فیصل به جرم پخش اطلاعات دروغ و مبالغه آمیز، صدمه به حیثیت دولت، تحقیر و اهانت مقامات قضائی و اداری، تمسخر باورهای اسلامی و توهین به واعظین مسجد در زندان به سر می برد که یک هفته پیش از عفو به خاطر وضع سلامتی اش به بیمارستان منتقل شد.

## بازگشایی یک مدرسه دخترانه در افغانستان

۲۹ ژوئن، آسوشیتد پرس - یک مدرسه دخترانه در افغانستان طی مراسم جشنی به همراه سخنرانی، ترانه و شعر خوانی گشوده شد. این مدرسه با کمکهای مالی که دانش آموزان آلمانی جمع آوری کرده بودند تعمیر و باز سازی گشته است. کتاب برای دانش آموزان و بودجه پرداخت مزد آموزگاران همچنان از نیازهای اولیه و مبرم آن می باشد. نزدیک به ۳۰ سال پیش، مدرسه مذکور که گنجایش پنج هزار دانش آموز از

دوره کودکی تا دبیرستان را داشت، با کمک دولت اتحاد جماهیر شوروی پیشین ساخته شد. در دوران حکومت طالبان و به جهت ممنوعیت دختران از تحصیل، این مدرسه تعطیل شده بود.

## زنان پلیس در پرو

اول ژوئیه، آسوشیتد پرس - دولت پرو پس از یک بررسی در سال ۱۹۹۸ به این نتیجه رسید که امکان تقلب و رشوه گیری زنان در شغل پلیس راهنمائی و رانندگی نسبت به مردان بسیار کمتر خواهد بود، از این جهت اکثر پلیس های مرد را برکنار و زنان را جایگزین آنان کرد. پس از این اقدام، زنان پلیس دائما مورد ضرب و شتم و آزار مردان راننده که حاضر به پیروی از آنان نیستند، قرار گرفته اند. ۱۴۵۰ زن پلیس در لیما وجود دارد که ۷۳ درصد نیروی پلیس انتظامی را تشکیل می دهند. ۹۰ درصد از زنانی که مورد آزار قرار می گیرند را این زنان تشکیل می دهند. بسیاری از آنان در اثر این تهاجمات در بیمارستان بستری و یا از کار افتاده اند. یک روانشناس مامور بررسی این امور گفت: "مردان پروئی اکثرا تبعیض گرا هستند و قبول ندارند که زنها قادرند اوضاع را تحت کنترل داشته باشند." او گفت "برخی تظاهر می کنند اما نهایتا هر زمان که مساعد بینند، خوی وحشیگرانه خود را به نمایش می گذارند."

## مسن ترین زن جهان ۱۲۲ ساله



## می شود

۸ ژوئیه، رویتر - سالمند ترین زنی که تا به حال در استونی زندگی کرده است در ماه اوت امسال ۱۲۲ ساله می شود. او سراسر زندگی اش را در روستای شوشیک گذرانده است. این زن که زندگی سختی را پشت سر نهاده هرگز هیچ رژیم غذایی از جمله خوردن کره و مصرف سیگار و قهوه را رعایت نکرده است. تنها تاسف او در طول زندگی اش ازدواج اجباری در سن ۱۴ سالگی با مردی که ادعا می کرده ۳۰ سال دارد، می باشد که به گفته خودش "۶۰ سال داشت و قبلا ۲ بار نیز ازدواج کرده بود." او در

سال ۱۸۹۴ و ۲۰ سال قبل از جنگ جهانی اول ازدواج می کند در این رابطه می گوید "من نمی خواستم ازدواج کنم، من او را دوست نداشتم، او پیر بود." این زن نمی تواند بگوید چه کسی در آلبانی حکومت می کند، اسم نوه هایش را به خاطر ندارد اما ازدواج تلخش را از یاد نبرده است.

## سهیم بیشتر زنان از بیماری ایدز

ژوئیه یک مقام بلند پایه سازمان ملل اظهار کرد که در صیدالای بیماری ایدز در میان زنان آفریقائی سبب پدید آمدن شرایطی خواهد شد که مبارزه با این بیماری نسلها به طول بیانجامد. کارشناسان بیماری ایدز خواستار رسیدگی فوری به وضع زنان مساعدبارداری و جوان شدند. آمار سازمان ملل از ۵۸ در صد زنان که مبتلا به بیماری ایدز در این منطقه هستند خبر می دهد. در این مناطق زنان ۶ برابر مردان از احتمال ابتلاء به این بیماری برخوردارند.

## دادگاه جنایات جنگی

۱۲ ژوئیه، آسوشیتد پرس - یک فرد صرب از بوسنی که به جرم بریائی و اداره خانه هائی که در آن زنان به صورت بردگان جنسی استفاده می کردند و آنان را مورد تجاوز قرار می دادند، در دادگاه جنایت علیه بشریت سازمان ملل ادعای بی گناهی کرد. او گفت "من بی گناه هستم، مرا به دلیل اینکه صرب هستم و از مردم دفاع کرده ام به اینجا آورده اند."

## زنان عاصی در نیجریه

۱۳ ژوئیه، رویتر - ۱۵۰ زن نیجریه ای، ترمینال صادرات نفت کمپانی شوران تکزیکو را محاصره کرده و هزاران نفر از کارکنان این شرکت را در محل کار محبوس نمودند، آنها از مقامات این شرکت نفتی برای پسرانشان در خواست کار کردند. یکی از نمایندگان آنها گفت که ۶۰۰ زن که در درون این مرکز قرار دارند همگی برای فرزندانشان کار می خواهند.



## محیط زیست «»»» اندیشه‌ها و چشم‌اندازها اکولوژی و اکوسیستم (قسمت پایانی)

— کریم قصیم

### آتمسفر و اکوسیستم هوا

در کتاب «حاشیه برهان» چاپ معین، در معنای هوا چنین آمده: «جسم لطیف و روان که گردآگرد زمین را فراگرفته و جانداران و گیاهان از آن تنفس می‌کنند». اما، این لطافت، متأسفانه، در پی انقلابهای صنعتی سابق و افزایش سریع و تصاعدی جمعیت طی قرن اخیر و به خصوص بر اثر تلل آشکار و حتا مخالفت و خصومت صاحبان سرمایه و قدرت با تحول اکولوژیک صنایع، سبک زندگی و آموزش عمومی، رفته رفته دستخوش لطمات فراوان شده و کار به جایی کشیده که معضل اولیه «آلودگی هوا» در منطقه‌های صنعتی حالا به یک بحران فزاینده شهرهای بزرگ میلیونی و کل کره ارض تبدیل شده است. آخرین و فعلاً معروفترین مورد از این رویکرد ضد اکولوژیکی را در موضع ارتجاعی دولت بوش دیدیم که امضای قبلی دولت کلینتون زیر قرارداد بین المللی کیوتو جهت کنترل و کاهش آلودگی هوا در جهان را لغو کرد و علیرغم فشار افکار عمومی و توصیه دولتهای دمکراتیک و پیشرفته، وی قلد رمنشانه از پذیرفتن الزامات اجرایی و موافقت با سرمایه‌گذارهای مؤثر جهت بهبود اوضاع بحرانی آتمسفر کره زمین آشکارا طفره رفت. بارها گفته و نوشته ام که از نقطه نظر علم و تکنیک و آموزش همگانی به خوبی می‌توان یک انقلاب بزرگ محیط زیستی را پیش برد و مرحله تازه و کارآمدی از تکنولوژی مدرن و اقتصاد صنعتی و کشاورزی کارآمد، را هم به نفع پاکیزه کردن آتمسفر و لایه تنفسی جهان و هم در جهت رشد و تکامل مدنیت معاصر و حصول زندگی بهتر و سالمتر محقق کرد. اما منافع غارتگرانه انحصارات بزرگ و کوچک نفتخواران و دیگر چپاولگران دنیا راه بر این تغییر و تحول استراتژیک بین المللی بسته اند. اکنون سالهاست که عواقب مهیب و مخرب این راه بنادان ارتجاعی با عدد و رقم به اثبات رسیده و علل و عوامل آلودگی هوا و پیدایش حفره خطرناک اوزن و گرم شدن جو روشن شده است. بروز خشکسالیهای قاره‌ای و منطقه‌ای، افزایش شمار طوفانها و گردبادهای سیلابها و... حیات سدها میلیون انسان و دیگر موجودات

زنده و پوشش گیاهی را به خطر انداخته، ولی حتا دولتهایی که «سبزها» نیز در آنها سهام قدرت دارند کارچندانی صورت نمی‌دهند و از همبستگی جدید جهانی علیه ارباب بی مروت دنیا حمایت نمی‌کنند. پس هر جا که می‌شود، می‌باید آزرهای خطر را کشید و برای جلوگیری از تخریب بیشتر آتمسفر و لایه تنفسی کره زمین مبارزه کرد. آگاهی مردم جهان و به خصوص نسل جوان را ارتقاء داد تا بتوان جنبش و فشار از پایین را سراسری و مؤثر و توانا کرد و بالا را از حرکت به سمت طرح و تحول اکولوژیک جهان ناگزیر نمود.

آتمسفر یا لایه هوایی گردآگرد کره زمین در ابتدا با پیدایش تعادل میان قوه جاذبه زمین و حرکت جمعی و ملکولی گازهای گوناگون اطراف آن به وجود آمده و برخلاف تصور قدامت که آن را لایتهای هم چون «فاصله میان زمین و آسمان» می‌پنداشتند، لایه‌ای است محدود که ضخامت آن به چند صد کیلومتر بیشتر نمی‌رسد. تازه بخش عمده هوای دور زمین (۹۵٪ آن) در قشر نازکی به قطر حدود ۱۸ کیلومتر فشرده شده و همین لایه هوایی است که بخش اصلی آن قابل تنفس برای موجودات زنده می‌باشد. هرچه از سطح زمین بالاتر برویم از وزن و فشردگی و ظرفیت تنفسی این لایه کمتر می‌شود، طوری که سرانجام به جایی می‌رسیم که دیگر در فضا هوایی باقی نمی‌ماند. راستی این لایه هوایی دور کره زمین از چه گازهایی تشکیل شده است؟ بخش عمده آن از گازهای نیتروژن (۷۸٪) و اکسیژن (حدود ۲۱٪)، بقیه هم از گازآرگون کمتر از یک درصد و دی اکسید کربن و مختصری نیز از چند گاز دیگر. این گازها در ازل از کجا آمده اند؟ یک فرضیه رایج علمی در این باره می‌گوید که آتمسفر در آغاز، به احتمال زیاد، بر اثر بازدم یا تخییر از سنگهای زمین به وجود آمده است. ساختمان گازی و متشکله این لایه، هرچه به زمین نزدیکتر باشد بیشتر تحت تأثیر تغییرات و عوارض کارهای موجودات زنده روی زمین قرار می‌گیرد. بیشترین اندازه تحولات در ارتفاع ۵ تا ۱۰ کیلومتری سطح زمین روی می‌دهد. مقدار بخار

آب در هوای نسبتاً خشک بین ۱ تا ۴ درصد حجم هوا می‌باشد. وجود آب در هوا نقش مهمی ایفا می‌کند و به هر سه صورت مایع، بخار و جامد در آمده بر روی اقلیم سرزمینها اثر می‌بخشد. مقدار بخار آب در لایه هوایی متغیر است و با ازدیاد ارتفاع از سطح زمین کاهش می‌یابد. لایه هوایی فشرده، خود از نظر قابلیت استنشاق و نیز تغییر و تحولات اقلیمی به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی تروپوسفر نام گرفته، که دارای حداکثر غلظت گازی است و همین هوایی را تشکیل می‌دهد که ما از آن تنفس می‌کنیم و در قطب به قطر حدود ۸ کیلومتر و در خط استوا نزدیک ۱۵ کیلومتر ضخامت دارد. دیگری استراتوسفر نامیده می‌شود، ترکیب هوایش دیگر قابل تنفس نیست، دمای آن ثابت و همیشه ۵۵ سانتیگراد زیر صفر است. اکوسیستم هوا و قشرهای آن بسیار متغیر و پیچیده است و پیش بینی تحولات درونی آن کاری بسیار دشوار. دانشمندان به تمثیل می‌گویند لایه هوایی دور کره ما آن قدر حساس است که بال زدن یک پروانه در یک طرف زمین می‌تواند موجب توفانی در طرف دیگر آن شود. این پیچیدگی به علل و عوامل زیاد بستگی دارد که از یک سو به تابش خورشید و دیگر تابشهای کیهانی مربوط می‌شود و از سوی دیگر به فعل و انفعالات روی کره زمین و عواقب کارهای نوع بشر. هرچه هوا رقیقتر باشد به همان اندازه نیز تابش نور خورشید شدیدتر اثر می‌گذارد. یکی از اثرهای انرژی خورشیدی گرم کردن هوای پیرامون کره زمین است. این عمل از سه راه صورت می‌گیرد: یکم تشعشع نور و انتقال گرمای خورشیدی به لایه هوای ما. البته آتمسفر دور کره زمین قادر به جذب مستقیم مقدار زیادی از انرژی تشعشعی خورشید نیست و تشعشع اصولاً نقش بسیار جزئی در گرم کردن لایه هوا دارد. اما در عوض، خود زمین امواج نورانی را که از خورشید تابیده می‌شود و به زمین می‌رسد به خوبی جذب کرده و بعد به صورت انرژی حرارتی پس می‌دهد. روش دوم برای گرم شدن قشر هوا عبارتست از هدایت حرارت، که مهمترین وسیله گرم شدن آتمسفر همین راهست. بدین ترتیب که انرژی و حرارت پس داده توسط زمین - یا حرارت تولید شده در فعل و انفعالات روی زمین، اعم از رویدادهای طبیعی چون آتشفشان و غیره، یا حرارت آتشفشونها و پسگازهای صنعتی و دیگر کارها - توسط تماس با

مولکولهای هوا به لایه هوایی منتقل می‌شود. منتها، چون در هوا بخار آب و نیز مقداری انیدریک کربنیک و ازن وجود دارد این حرارتهای پس داده شده توسط زمین دیگر کاملاً به فضای بالاتر از لایه هوایی منتقل نمی‌شود، برعکس، هوا در این جا مثل یک قشر شیشه عمل می‌کند، به تشعشع نور خورشید به طرف زمین اجازه عبور می‌دهد، اما به انرژی حرارتی و انعکاس آن توسط زمین درست امکان عبور و تخلیه به فضای کیهانی نمی‌دهد و گرمای انعکاسی یا تولیدی روی زمین عمدتاً در قشر هوای دور کره ارض حبس می‌شود و جو را گرم می‌کند. راه سوم گرم شدن لایه هوایی، جابجایی جسمهای گرم و منبسط شده هواست. در اثر گرما و انبساط، وزن مخصوص هوا افت کرده و هوای گرم شده به طرف بالا حرکت می‌کند و جای آن را حجم هوای سردتر می‌گیرد. جابجایی در ضمن می‌تواند عاملی در ایجاد باد و انتقال آلودگیهای یک منطقه به منطقه‌های دیگر هم باشد، به خصوص که کره زمین در عین حال که در معرض تابش خورشید قرار دارد، ضمناً بلا انقطاع در حال چرخش و حرکت هم هست و انواع باد نیز به وجود می‌آید.

در بالا به ترکیب طبیعی لایه تنفسی هوای دور کره زمین که مورد نیاز موجودات زنده - اعم از انسان و حیوان و گیاه است، اشاره کردم. به خصوص مقدار اکسیژن موجود در هوای قابل استنشاق خیلی اهمیت دارد، همین طور نبودن گازهای سمی برای موجودات زنده ویژگی طبیعی یک لایه پاکیزه و سالم هوا بوده و هست. باید توجه داشت که میان قشر هوایی و دیگر اکوسیستمهای پایه، همچون اقیانوسها، خاک و پوشش گیاهی روی زمین، پیوسته کنش و واکنشهای حیاتی جریان داشته که با هم خوردن ترکیب و مختصات درونی اکوسیستم هوا این فعل و انفعالات نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آلودگی هوا در واقع چیزی نیست جز به هم خوردن ترکیب و تراکمهای طبیعی لایه تروپوسفر در آتمسفر دور زمین. البته، لایه هوا هم، مثل هر اکوسیستم دیگر، تا اندازه‌ای قابلیت خود پالایشی دارد. ولی مواد و گازهایی هستند که اگر فراتر از یک حدی در هوا متراکم شوند به علل گوناگون تعادل درونی این اکوسیستم زندگی بخش را به هم می‌زنند و با آلوده کردن آن، لایه بقیه در صفحه ۱۳

## محیط زیست

بقیه از صفحه ۱۲

هوا را به منبع مهیب ایجاد و بروز بحرانهای شدید محیط زیستی و خطرهای مریگار برای موجودات زنده کره زمین تبدیل می کنند. من در این جا صرفاً به چرخه سالم یک گاز مؤثر و تغییرات مخرب آن توجه می دهیم: گاز معروف دی اکسید کربن. گفتیم که این گاز به مقدار اندکی هم در اتمسفر وجود دارد و هم در هوای تنفسی موجودات زنده و به این صورت به اندازه طبیعی آتش خطری ندارد. وانگهی، می دانیم که این گاز در معرض نور خورشید توسط گیاهان جذب شده و از طریق فرآیند حیاتی فتوسنتز توسط گیاهان سبزینه دار به اکسیژن هوا تبدیل می شود. کربن جذب شده و توسط گیاهان نیز پس از خشک شدن گیاهان طی قرون و اعصار جذب زمین شده به صورت فسیل درمی آید. این فسیل‌های کربن بعدها به صورت ذغال سنگ و نفت و گاز توسط بشر کشف و استخراج شد. حال مسأله بحرانزا این است که اندازه این گاز سابقاً بی آزار در هوا، در ظرف مدت زمان نسبتاً کوتاه، چنان دارد افزایش می یابد و ترکیب های طبیعی قبلی را به هم زده که در نظر دانشمندان هواشناس و متخصصان جو زمین سبب ساز بسیاری از عوارض و بحرانهای کنونی بوده، فراتر از این مرحله نیز بیم عواقب ویرانگر جهانی می رود. چرا و چگونه؟ به زبان ساده شرح فاجعه در سفر تکوین از این قرار است:

در اثر استخراج بی مهابا و سوزاندن این منابع فسیلی کربن دار - که ذخیره های زیرزمینی آن طی صدها میلیون سال به صورت منابع فسیلی در اعماق زمین جای گرفته بودند - حجم عظیم و فزاینده ای از گاز دی اکسید کربن، در زمان نسبتاً کوتاهی، به عنوان گاز خروجی صنایع و سوخت و احتراق موتورهای و خودروها و دستگاههای گرمایشی و سرمایشی و... تولید و به فضای تنفسی جهان وارد می شود. خوب، پیامدهای این روند چیست، در چشم انداز قابل فهم علمی چه اتفاقی دارد می افتد؟ در منطقه های صنعتی نه تنها غلظت گاز کربنیک در هوا بیش از اندازه زیاد شده، بلکه علاوه بر این به سبب کم وسعت بودن پوشش جنگلی فعال در این عرصه ها که بتواند بخش مهمی از این گاز را توسط روند فتوسنتز به اکسیژن تبدیل کند، کمبود اکسیژن در لایه هوایی بیشتر می شود و این وضع باعث پیدایش بسیاری از امراض است. از طرف دیگر، مولکولهای CO2، به علت شکل ساختمانی خاص خود قادرند اشعه مادون فرمز را جذب کرده به گرما تبدیل کنند. نتیجه این عمل بالا رفتن و ازدیاد غیرعادی دمای اتمسفر است. گرم شدن اتمسفر کره زمین هم موجب تغییرات کلی در اقلیم کره ارض می شود که سالهاست می بینیم بیش از پیش دارد صورت واقع پیدا می کند و ویرانیها و تغییرات ناشناخته به وجود می آورد. یکی از این پیامدهای وخیم، افزایش خشکسالیها و در عین حال ازدیاد شمار سیلابهای خانمان براندازست، دیگری به هم

خوردن اوضاع جوی و پیدایش طوفانها و گردبادهای مهیب بی سابقه در خشکی و نیز در دریا و اقیانوسهاست که در همین دهه اخیر صدها میلیارد دلار خسارت به اقتصادهای ملی و بین المللی وارد کرده است. عارضه مخوف دیگر، که فعلاً توجهی بدان نمی شود، آب شدن دامنه های یخی کوهستانهای سرد و تحلیل رفتن عمق یخچالها و ارتفاع کوههای یخی در منطقه های قطبی است. ادامه این وضع می تواند منشأ بالا آمدن سطح آب دریاها و اقیانوسها و غرقابهای گسترده و زیر آب رفتن بسیار ساحلها و کشورها باشد. مجموعه این تخریبها روی هم اثر تشدید شونده هم گذاشته و تاهمین جا نیز محیط زیست قاره ها آسیبهای شدید دیده اند و در اثر هم خوردن تعادل‌های زیرینایی و افزایش شمار و دامنه سیکل معیوب خشکسالی و سیل و طوفان و غرقاب به اقتصاد کشاورزی و تولید مواد غذایی بسیاری از کشورهای فقیر هم لطمات کمر شکن وارد شده است. با توجه به ادامه افزایش جمعیت دنیا - به خصوص در ممالک بی چیز و مستمند - وضع سال به سال بدتر هم خواهد شد. قراردادهای بین المللی و از جمله پیمان کیوتو در واقع می خواهند از راه تلاش همه کشورها در جهت کاهش تولید گاز دی اکسید کربن، این روند مهیب و ویرانگر را اندکی تخفیف داده شاید بتوانند از بروز فاجعه های سراسری مانع شوند. در کنفرانس و پیمان کیوتو، همه کشورهای مهم صنعتی جهان خود را متعهد به روند کاهش و کنترل تولید گاز دی اکسید کربن کردند. دولت کینیون هم بالاخره امضا کرد. اما، تا جرح بوش دوم سرکار آمد امضای آمریکا را لغو نمود، بسیاری از پروژه های محیط زیستی دولت را معلق کرد و عوامل «علمی» بلوک نفتخواران و انحصارات اسلحه فروش و... را جلو انداختند که بگویند و مدعی شوند همه نگرانیهای اهل علم و اکولوژی و طرفداران حفظ طبیعت و سالم سازی محیط زیست، این دغدغه ها در حد مبالغه و بعضاً بی پایه و بی خود است. همین طور جناح راست اروپا و جاهای دیگر که در حال رشد و گسترش سیاسی هستند، از جمله مترصدند که بسیاری از دستاوردهای دهه های اخیر جنبش و جناحهای محیط زیستی دنیا را ملنا کنند. برای همین است که به این شایعه دامن می زدند که اصلاً چیزی به نام بحران گرم شدن جو و... جدی نیست. ولی، در این فاصله بسیار مطالعه های غیر قابل انکار علمی، خیلی بهتر و دقیقتر از گذشته، صحت این تغییرات وخیم و عواقب احتمالی آنها را مورد تأیید قرار داده اند. به عنوان نمونه، تازه ترین نتیجه یک پژوهش علمی سه ساله توسط دانشمندان اهل فن در شماره جدید مجله معتبر اسپیکل (مورخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۲) در اختیار علاقمندان قرار دارد. حتی تیترو نوشته مذکور در صفحه ۴۶ این هفته نامه به اندازه کافی صریح و روشن و هشدار دهنده است: «یخچالهای کوهستانی به سرعت دارند ناپدید می شوند.» پایان

## سفر خاتمی به شهر گلوگاه و اعتراض شالیکاران

شهرزاد خ هر ساله صدها تن از دهقانان و کشاورزان منطقه گلوگاه، برای کشت محصول شالی، با مشکل کمبود آب مواجه بوده و امسال نیز با مشکل بی آبی مواجه بودند. بر طبق گفته دهقانان این منطقه، بی آبی تا به آن حد رسیده است که دهقانان مجبور شده‌اند زمینهای خود را به حال خود رها کرده و زمینها خشک شوند. در حالی که همگان می‌دانند کشت شالی تا زمانی که وچین آن تمام نشده و دانه‌های آن به برنج تبدیل نشود یعنی قبل از دروی این محصول، ساقه شالی باید همواره در داخل آب باشد.

مشکل کمبود آب برای دهقانان و شالیکاران این منطقه، در سال ۷۰-۶۹ باعث آن شد که ۳۰۰ تن از این دهقانان زحمتکش، طی نامه‌ای اعتراضی از طریق شورای محلی کشاورزان، هم به استاندار مازندران و هم به علی اکبر هاشمی رفسنجانی، خواستار رسیدگی به مشکل خود شوند. ولی چون هیچ گونه پاسخی دریافت نکردند، کلیه دهقانان به همراه خانواده‌های خود، با ابزارهای ساده کشاورزی به حالت اعتراض و شورش وارد جنگلهای شهر شده و با دست خودشان موفق شدند چشمه کوهستانی به نام لیم را بازسازی و کانال آب رسانی به طول حدود ۷ کیلومتر تا مزارع کشاورزی «اوان» را پاکسازی و لایروبی نمایند. استاندار مازندران و اربابش هاشمی رفسنجانی به جای رسیدگی به این مشکل و کمک به دهقانان، بیش از ۱۵۰۰ نیروی ضد شورش سپاه پاسداران را از شهر ساری گرگان و بهشهر، جهت سرکوب دهقانان، به این منطق فرستاد که باعث درگیری‌هایی بین دهقانان و مردم شهر که به حمایت از دهقانان برخاسته بودند، شود. همان روز اول کلیه نیروهای سپاه از ترس جان خود مجبور می‌شوند شهر را ترک کنند. بعد از این واقعه مردم شهر و بزرگان طایفه‌ها به رفسنجانی و استاندار مازندران اخطار دادند که هرگز پایشان را داخل این شهر نگذارند. به همین

دلیل هاشمی رفسنجانی، هنگامی که از مازندران دیدن کرد و خواست از شهر گرگان به شهر ساری برود از هلی کوپتر استفاده کرد. زیرا مردم شهر جاده بین این دو شهر و راه آهن را بسته بودند.

امسال نیز بی آبی به حدی دهقانان و شالیکاران این منطقه را عصبانی و خشمگین ساخته که در راهپیمایی ۱۱ اردیبهشت سال جاری، آشکارا شعارهای ضد دولتی سر داده و آخوند خاتمی نیز به مانند رفسنجانی جهت کنترل این راهپیمایی از شهرهای بزرگ استان نیروهای ضد شورش به شهر گلوگاه فرستاد و سپس خودش جهت «انجام توطئه و دسیسه‌های ضد دهقانی و ضد مردمی» از استان مازندران و سپس از شهر گلوگاه دیدن کرده و برای مردم عصبانی این شهر سخنرانی کرد.

دهقانان و شالیکاران، در میان سخنرانی، صحبت‌های او را با اعتراض قطع کرده و شعار «آب نداریم، آب می‌خواهیم» را سر دادند. آخوند خاتمی که در حقه‌بازی و کلک استاد همه فن حریف است و دست هر چه آخوند و ملا و رمال را از پشت بسته، با مشاهده این صحنه بلافاصله رنگ عوض می‌کند و با حالتی متمسنانه و با ریختن اشک تسماح اعلام می‌کند که «والله به خدا قسم اگر رای شما مردم گلوگاه نبود من هرگز رئیس جمهور نمی‌شدم» که بار دیگر و مجدداً دهقانان گفتند «رئیس جمهور آب می‌خواهیم، آب می‌خواهیم» و نمایش خاتمی را مانند رفسنجانی به هم زدند. کشاورزان و شالیکاران با زمینهای بی آب و هزاران جوان بی‌کار، و تهدیدات چماقداران جبهه دوم خردادیها و پس مانده های وحشی باند کثیف سپاه جامگان و اعضاء سپاه پاسداران گلوگاه بلافاصله بعد از فرار آخوند خاتمی به او لقب «توریست» دادند. شالیکاران زحمتکش ایران بار سنگین کشاورزی را با بی آبی به سر می‌برند. بی شک تنها راه رهایی این مردم از ستم اجتماعی نابودی این رژیم با مبارزات بی امان کارگران، دهقانان و زحمتکشان است. با امید به پیروزی زحمتکشان ایران

از میان نامه‌ها و مطالب رسیده

گرامی باد خاطر هنرمند انقلابی،  
فدایی شهید، سعید سلطانیپور

« اکنون که در جوامع طبقاتی، بیش از هر زمان دیگر، هنر و اندیشه، به مثابه سلاحی ارزان و مؤثر بازار دارد و وسیله‌ای در جهت تحقیر و تحمیل مردمان محروم و عامی به کار گرفته می‌شود، کوشش برای بیداری، برای هوشیاری مردم، وظیفه‌ی آرمانی هنرمندانی است که با درک توان و لیاقت تاریخی مردم و همچنین تحلیل و شناخت حقوق از دست رفته ایشان، اندیشه مبارزه خود را به سلاح اقدام مجهز کرده‌اند و برای اکتساب حقوق ربوده شده به بهای تحقیر و تهدید و زندان و شکنجه و خون و مرگ خویش می‌کوشند دشمن به توان و تحرک توفنده‌ی هنر و ادبیات آگاه است اگر می‌دانیم حق با ماست، سکوت نکنیم، سانسور در خویش، در قلمرو هنر و ادبیات، اولین خیانتی است که خود در باره خود مرتکب می‌شویم و با دشمن همدستی می‌کنیم هنرمند، از متن نجیب‌ترین و حقیقی‌ترین آرزوهای بر باد رفته مردم سر بر داشته است

باید رنجهای عمیق و ناسامانیهای روانی مردمان را دریافته باشد و به محرومیت آنها، چون حقوق مسلم غصب شده‌ای بنگرد وقتی هنرمند موضع نگیرد، با دشمنی مشخص و معلوم در نیلویزد، به حرف (مردم گوش ندهد [ولی] در حرف، مردمی و حتی مبارز بماند، هرگز نمی‌تواند مفهومی واقعی از وظیفه داشته باشد و هنرمند و روشنفکر، اگر به شرایط نیاندیشد، خواه ناخواه از ملت جدا می‌افتد و به مرتجع‌ی کلی باف و خیال‌پرداز تبدیل می‌شود « (نوعی از هنر، نوعی از اندیشه سعید سلطانیپور)

سی و یکم خرداد ماه ۱۳۸۱، بیست و یکمین سالروز شهادت فدایی شهید، سعید سلطانیپور، شاعر، نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردان برجسته تئاتر میهنمان است. او از سال ۱۳۳۹ پا در حیطه تئاتر گذاشت و در نرکده اناهیتا شروع به بازیگری نمود. از سال ۴۴ تا ۴۸، دوره تئاتر را در دانشکده

هنرهای زیبای دانشگاه تهران گذراند. «سه خواهر»، اثر چخوف با مهین اسکویی - «مرگ در برابر»، اثر ایسن هنجف و «ایستگاه»، نوشته خودش را در این سالها کارگردانی کرد. در سال ۴۷ «انجمن تئاتر ایران» را با یکی از دوستانش بنیان می‌نهد و نمایشنامه‌های «دشمن مردم»، اثر ایسن، «آموزگاران»، اثر محسن یلفانی و «چهره‌های سیمون ماسار»، از برشت را روی صحنه برد. ساواک، در اجرای نمایشنامه‌ها اخلال ایجاد می‌کند و کارگردان، نویسنده و بازیگران را در هر اجرا بازداشت و سالنهای نمایش را اشغال و یا می‌بست. سعید در سال ۴۹، دستگیر و دو سال بعد، از زندان آزاد می‌شود. سپس به نوشتن «نوعی از هنر، نوعی از اندیشه» و انتشار گسترده آن می‌پردازد و به همین جرم دوباره بازداشت و شکنجه می‌شود. در سال ۵۳ به خاطر سرودن «آوازه‌های بند» مجدداً دستگیر و روانه زندان می‌شود و در سلولهای کمیته، دهها بار به زیر شکنجه می‌رود. پس از آزادی سعید به آغوش خلق باز می‌گردد. او با از سرگیری فعالیت خود در زمینه تئاتر و سرودن اشعار و شرکت در جلسات شعرخوانی، قاطعانه به افشای ماهیت ضد انقلابی ارتجاع می‌پردازد. فضای نسبتاً باز بعد از انقلاب، باعث کشانده شدن تئاتر و گروه‌های تئاتری به کوچه‌ها و خیابانها و میدان شهر می‌شود. «عباس آقا، کارگر ایران ناسیونال»، از جمله کارهای با ارزش و به یاد ماندنی او در این دوران است که در نقاط مختلف تهران به صحنه می‌رود. بدین طریق سلطانیپور، پیام انقلاب را که همانا رهایی از ستم و استثمار است را به گوش و نظر آنها می‌رساند و این رابطه باعث می‌شود که مردم او را مورد حمایت و تشویق قرار دهند.

از آن طرف اما، ارتجاع تحمل چنین رابطه‌ها و حرفه‌هایی را ندارد و با بسیج ارادل و اوباش و چماقدارانش، در موقع اجرای نمایشنامه‌ها یا بعد از آن، به جان بازیگران و تماشاچیان می‌افتد و اقدام به ضرب و شتم آنان می‌کند و تلاش می‌کند مانع رساندن این پیام به مردم شود. سلطانیپور در اواخر سال ۵۹، به خاطر فعالیت‌های افشاگرانه‌اش علیه ارتجاع حاکم و ارتباطش با سازمان چریک‌های فدایی، دستگیر و به نقطه نامعلومی برده می‌شود. در سال ۱۳۶۰، پس از سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز ۵۰۰ هزار نفری مردم و دستگیری بیشمار، سعید را همراه با عده دیگری از مبارزان و مجاهدان راه آزادی، در زندان اوین، به جوخه تیرباران می‌سپارند. «با کشورم چه رفته است» بخشی از یکی از سروده‌های او می‌باشد:

با کشورم چه رفته است  
با کشورم چه رفته است  
که زندانها

از شبنم و شقایق سرشارند  
و بازماندگان شهیدان

- انبوه ابرهای پریشان و سوگوار-

در سوک لاله‌های سوخته  
می‌بارند

با کشورم چه رفته است  
با کشورم چه رفته است

سوگوارند

تقدیم به سازمان

چریک‌های فدایی خلق

ایران

نامه --

مدیر مسئول نشریه نبرد خلق

رفیق زینت میرهاشمی

با سلام و خسته نباشید، مدت‌ها بود که از «نبرد خلق» فاصله گرفته بودم. رو راست بگویم، به خاطر عدم تنوع و تحول در زمینه تمامی مطالب آن، طی سالیان بوده است، و البته هنوز هم این مشکل وجود دارد؛ احساس می‌کنم رابطه اکتبوی با خوانندگان و جهان پیرامون خود، ندارید. معمولاً تعداد مشخصی مطلب، از افراد مشخص، مدتهاست دارد نوشته و چاپ می‌شود. من نمی‌دانم مطالب آقای اسماعیل وفا در مورد تاریخ اسلام و ایران آن هم در نشریه یک سازمان در حال حاضر، به چه دردی می‌خورد و چرا در هر شماره باید چند صفحه به آن اختصاص داده شود و تا کی ادامه دارد؟ انبوهی خبر و مطلب در زمینه‌های فرهنگی، هنر، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، چرا از آنها کمتر استفاده می‌کنید؟ آدم نشریه را که در دست می‌گیرد کمتر تمایل به خواندن تمام مطالب آن دارد. واقعاً نمی‌دانم، گویی آیه آسمانی نازل شده که سالیان سال، این نشریه به همان سبک و سیاق یکنواخت در بیاید و حق هیچگونه تغییر و تحولی در آن وجود نداشته باشد.

با همه اینها، من آستین بالا می‌زنم و در این تغییر و تحول، پیشگام می‌شوم و دو شعر و یک مطلب در مورد سعید سلطانیپور، برایتان ارسال می‌کنم. موفق و پیروز باشید

فدایی رزمنده  
م. وحیدی سپهر  
۸۱/۱/۱۳

توضیح نبرد خلق: با تشکر از رفیق م. وحیدی که لطف کرده با ارسال نامه و شعر ما را مورد محبت قرار داده‌اند. امیدواریم که این توجه و محبت همچنان ادامه داشته باشد. (دو شعر آرسالی در شماره آینده چاپ می‌شود) رفیقمان چند نکته را تذکر داده است که برخی از آنها جنبه سلیقه‌ای دارد و به هر حال هر کسی بنا به این که چه مطلبی در یک نشریه توجیهش را جلب کند یا نکند، به خواندن یک نشریه

بقیه در صفحه ۱۵

در پاسخ به آنان که به زعم خودشان خواستند نام سترگ سازمان را با گنداب دهانشان آلوده کنند اما این راییت خلق است که چون جویبار بر چهره تفتۀ کوهسار می‌گذرد و پرچم سازمان است که هیچ گاه تن به ناملایمات روزگار نسائیده و هم چنان سرفراز، نستوه و استوار ایستاده است.

سازمانم تو را سلام می‌کنم، از اینجا و از این راه دور با خلوص در مقابل پرچم خونینت تعظیم می‌کنم. با فخر و غرور با تمام سلولهایم خون معلمان کبیر بیژن و مسعود و پویان را پاس می‌دارم. من از تبار خلق لر تمام عشقم را در اندام رودخانه سیمه تا در کنارش ستاد سازمان را بنا کنیم. درودم را با پیک رهایی بر قلۀ کبیر کوه تا برفرازش پرچم داس و چکش و ستاره را به اهتزاز در آوریم و با یاد همایون و هوشنگ اعظمی و احمد خرم‌آبادی و مادر غروری به تو سلام می‌کنم. مرا در خود بگیر تا با نفسهای گرمت «سرودی دیگرگونه آغاز کنم».

نبرد واژگان

هرگز نخوابسته بودم بگریم

بر خون جاری کلمات

پیش از آن که سینهام را آماج کرده باشم

هرگز نخوابسته بودم، بخوانم

قطعه‌نامه را از کتف پاره معانی

پیش از آن که دهلیز قلبم را بگشایم

بروی پیکان اتهام

بنگرید واژگان سرخ را

در چنگال بی روح مردگان

در تابوت‌های یخ‌زده و اندیشه‌های منجمد

و قطره قطره قطره جوهر خشکیده بر اوراق و برخیزید

اینک پرچمی بر باد آرام آرام موج می‌زند

می‌رود و می‌شکافد آسمان ابرآلود میهنم را

و بر دوش می‌کشد بار سنگین کلمات قدسی را

علی مرادی

رزمنده م.ل ارتش آزادیبخش

ملی ایران

م. وحیدی

رزمنده ارتش آزادیبخش ملی ایران



آمریکا، این کشور و چهار عضو دائمی دیگر شورای امنیت متحد مجاز هستند دادرسی نیروهای پاسدار صلح در دادگاه بین المللی جنایات جنگی را وتو کنند.» (آسوشیتدپرس ۱۲ تیر)

سرانجام سازمان ملل در روز ۲۱ تیر در مقابل پافشاری و عدم پیوستن آمریکا به دادگاه جنایت علیه بشریت، یک طرحی را به تصویب رساند که تمام افراد آمریکایی که در عملیات صلح در کشورهای دیگر که توسط سازمان ملل تأیید شده است به مدت یک سال از پیگیری در مقابل دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت مصون میمانند. این مصاحه مورد استقبال ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه قرار گرفت. این پیمان سازمان ملل هم چنین مورد مخالفت سازمانهای فعال حقوق بشری قرار گرفت. سفیر یک کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل گفت: «در یک جهان ایده‌آل ما هرگز نمی‌توانیم رای بدهیم به چنین راه حلی از معاهده بین المللی، اما ما در یک جهان واقعی هستیم، جهانی که آمریکا قانون را وضع می‌کند و ما مجبوریم که این امتیاز را بدهیم.» (لوموند ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۲)

نبرد خلق در شماره ۲۰۳ به تاسیس این دادگاه کفبری پرداخت. سازمان ملل در زیر نفوذ قدرتهای حافظ سرمایه‌داری، با پیمان نامه‌های این چنینی بر حفظ منافع این قدرتها تاکید می‌کند.

با اتحاد بین المللی». در این اجتماع سخنرانانی از نروژ، آرژانتین و آفریقا شرکت داشتند و در سخنان خود به افشای سیاستهای بانک جهانی پرداختند. هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این تظاهرات با پرچم سازمان شرکت داشتند. حضور پرچم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این تظاهرات مورد استقبال قرار گرفت و دهها خبرنگار و عکاس و فیلم‌بردار از آن تصویربرداری کردند و در بخشهای مختلف خبری پخش گردید. پس از این اجتماع مراسم جشنی در مرکز اسلو بر پا شد که با وجود غیر قانونی بودن آن، خیل عظیمی در آن شرکت کردند. گزارش از شهاب

### سازش سازمان ملل

#### با آمریکا

#### بر سر دادگاه بین المللی

#### جنایت علیه بشریت

«آمریکا برای مصون ماندن نیروهای این کشور از احکام دادگاه جدید بین المللی جنایات جنگی و اجتناب از ایجاد وقفه در عملیات پاسداری صلح سازمان ملل در بوسنی طرحی پیشنهاد کرد. به موجب این طرح

شیمیایی، میکروبی و هسته‌یی را به طریق سالمی نابود سازد.»

رادیو آمریکا در برنامه ۳ تیر خود اعلام کرد: «در آستانه برگزاری نشست سران کشورهای صنعتی پیشرفته جهان در منطقه تفریحی کوهستانی کاناسلیکس در کانادا، روز یکشنبه ۳ هزار نفر از مخالفان روند جهانی شدن در شهر گالکاری دست به یک راهپیمایی مسالمت آمیز زدند. اعتراض کنندگان پلاکاردهایی با خود داشتند که در باره آنها نوشته شده بود، بدهیهای آفریقا را ببخشید و حرص و آز شرکت موقوف. پیش بینی می شود اوج اعتراضها در جریان برگزاری نشست ۲ روزه برگزار گردد.»

### کنفرانس احزاب کمونیست

خبرگزاری فرانسه ۳۱ تیر: روز جمعه نمایندگان احزاب کمونیست از سراسر جهان در آتن جمع شدند تا در مورد وضعیت جدید بین المللی بعد از حمله های ۱۱ سپتامبر در آمریکا بحث و گفتگو کنند. سازمان دهندگان این جلسه از حزب کمونیست یونان در بیانیه‌یی گفتند، میتینگ این هیأتها از ۶۸ حزب کمونیستی و کارگری برای تبادل نظر در مورد بررسی فجایع جنگ و کاهش آزادیهای دموکراتیک بعد از ۱۱ سپتامبر می باشد این کنفرانس سالانه پنجمین کنفرانسی است که در آتن برگزار می شود.



### اجلاس جی ۸ در کانادا و

#### تظاهرات مخالفان سیاست

#### جهانی سازی

### تظاهرات علیه بانک جهانی

#### در اسلو

روز دوشنبه ۲۴ ژوئن، تظاهرات عظیمی علیه بانک جهانی توسط ۵۲ سازمان و حزب سیاسی در اسلو پایتخت نروژ برگزار گردید. در این تظاهرات بیش از ۱۰ هزار نفر شرکت کردند. پلیس اسلو با نیروهای زیادی از روزها قبل از برگزاری کنفرانس، تمامی خیابانهای منتهی به محل کنفرانس را با ایجاد محدوده‌های آبی و قرمز مسدود کرده بود و در شهر حالت نیمه حکومت نظامی برقرار کرده بود. تظاهرکنندگان با حضور خود و با شعارهایشان این جو را شکستند و به سیاستهای چپاولگرانه بانک جهانی اعتراض کردند. بخشی از شعارهای تظاهرات عبارت بود از: «دنیا ما برای فروش نیست، انحلال و امحای برده‌داری، مرگ بر سرمایه‌داری، زنده

اجلاس سران کشورهای گروه ۷ از ۵ تیر به مدت ۲ روز در روزهای ۵ و ۶ تیر در کانادا برگزار شد. سران ۸ کشور در نشست خود مسائلی نظیر تروریسم، خاورمیانه و فقر در آفریقا مورد بررسی قرار دادند. این نخستین گردهمایی سرای گروه ۸ بعد از حمله های تروریستی ۱۱ سپتامبر به آمریکا، بود. خانم رایس مشاور امنیت ملی کاخ سفید در باره این نشست گفت: «دو توافق بسیار مهم در نشست سران به عمل آمد. یکی طرح پیشرفت در ایجاد امنیت در وسایل نقلیه عمومی برای مسافران و کالاها از راه هوا و دریا و دیگری اختصاص ۲۰ میلیارد دلار کمک به روسیه ظرف ۱۰ سال آینده تا آن کشور بتواند سلاحهای

## مروری بر جنبش کارگران بیکار در آرژانتین (۱)

نویسنده: جیمز پتراز

منبع: ماهنامه مانتلای ریو، ژانویه ۲۰۰۲

ترجمه: ب. محله

بوده و بدون هیچ تردیدی دارای ارزش بسیاری برای جنبشهای بیکاران، دهقانان و کارگران ایرانی است. امید که چنین باشد.

ب. محله

++++

طی بیست و پنج سال گذشته آمریکای لاتین شاهد سه موج به هم پیوسته از جنبشهای اجتماعی بوده است. اولین موج که تقریباً از اواخر هفتاد شروع شده و تا اواسط دهه هشتاد ادامه داشته است به طور عمده جنبشهای موسوم به «جنبشهای نوین اجتماعی» را شامل می‌شد. این جنبشها عبارت بودند از جریانات حقوق بشری، زیست محیطی، فمینیستی، حرکت‌های قومی و هم چنین جنبش سازمانهای غیر دولتی. رهبری این جنبشها عمدتاً در دست متخصصین میانه حال قرار داشت، و سیاستها و استراتژی این جریانات در مجموع پیرامون به چالش کشاندن دیکتاتوریهایی نظامی و غیر نظامی آمریکای لاتین دور می‌زند.

موج دوم از جنبشهای اجتماعی که از اواسط دهه هشتاد شروع شده و تا کنون تیز ادامه داشته، به یک جنبش نیرومند سیاسی فرا روئیده است. سازمانهای توده‌ای موج دوم که به طور عمده دهقانان و کارگران روستایی را در بر گرفته و رهبریشان نیز به دست همانهاست، مستقیماً برای دفاع از منافع اقتصادی این زحمتکشان وارد عمل شده‌اند. از مهمترین این جنبشها از جمله می‌توان از زاپاتیستهای مکزیک (EZLN)، کارگران روستایی بی زمین (MST)، برزیل، دهقانان بولیوی، نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (FARC)، و سرخپوست دهقانان (CONIE)، اکوادور نام برد. اگر چه ترکیب، تاکتیکها و خواسته‌های این گروهها بعضاً از یکدیگر متفاوت بوده، اما همگی در مخالفت با نئولیبرالیسم و امپریالیسم، به عبارتی رژیم اقتصادی نئولیبرال و روند فزاینده تمرکز ثروت‌های اجتماعی در دست گروه نخبگان داخلی و خارجی با یکدیگر اشتراک نظر داشته‌اند. مبارزه برای رفم ارضی رادیکال و کسب استقلال ملی برای سرخپوستان و مبارزه علیه دخالت‌های امپریالیستی از سوی ایالات متحده در اشکال مختلف از ویژگیهای مبارزه این سازمانها بوده است. (۱)

مقاله حاضر حدود هشت ماه پیش نوشته شده و نویسنده آن، آقای جیمز پتراز، خود از اکادمیکهای آمریکایی است که اکنون بیش از یازده سال است که زندگی‌اش را وقف مبارزه و سازماندهی زحمتکشان آمریکای لاتین نموده است. این مقاله در شماره ژانویه سال جاری ماهنامه مانتلای ریو با عنوان Un employed zorkers

Movement (ص ۳۲-۴۵) چاپ شد. تاریخ نگارش مقاله اندکی پیش از وقایعی است که آرژانتین را لرزاند. طی نزدیک به دو هفته شورشهای خیابانی در بوئنس آیرس و دیگر شهرها، نه تنها سرپای نظام پوسیده و ارتجاعی سرمایه‌داری آرژانتین به لرزه درآمد، بلکه ارتجاع منطقه‌ای و جهانی از کابوسی که در برابر دیدگانش شکل می‌گرفت سخت به تکاپو افتاد. سرمایه‌های خارجی، بانکها و شرکت‌های چند ملیتی، پس از بیش از یک دهه غارت بی امان کشور، از بیم وقوع یک انقلاب تمام عیار بلافاصله تمامی داراییهایشان را از کشور خارج ساخته و با معلق نمودن و یا تعطیل کامل فعالیت‌های اقتصادیشان بر وخامت اوضاع اقتصادی، دامنه بیکاریها و خانه خرابی توده‌ها افزودند. حدود یک ماه پیش، یک بار دیگر خیابانهای بوئنس آیرس شاهد شورشهای بیکاران، حاشیه‌نشینان و گرسنگان بود. اگرچه به نظر می‌رسد که شرایط و زمینه‌های مادی یک تحول انقلابی در آرژانتین فراهم باشد، اما به سبب فقدان یک نیروی انقلابی به عنوان آلترناتیو و پاسخگوی این مرحله از نیازهای انقلاب، این همه تلاش و مبارزه توده‌ها بی نتیجه مانده و نظام سرپا ارتجاعی کماکان پا بر جا است.

اگر چه جنبش بیکاران به جنبشی نیرومند و دامنه‌دار در آرژانتین تبدیل شده است، اما به نظر می‌رسد که پتراز وزن بسیار زیادی را به این جنبش داده و دامنه انتظارش از این جنبش از آن چه که می‌توان به طور واقع‌بینانه از آن انتظار داشت بسا فراتر رفته است. به هر حال، این که چنین جنبشی قادر خواهد بود که به خودی خود قدرت دولتی را تصرف کند و بدون اتکاء به یک حزب انقلابی پیشاهنگ و تنوری انقلابی بتواند ساختمان جامعه‌پس از سرمایه‌داری را آغاز نماید، امری است که آینده نشان خواهد داد. امری که پتراز با خوشبینی بیش از اندازه به آن چشم دوخته است، اما به گواهی تمامی تجربه‌های تاریخی تحقیقش اگر محال نباشد، می‌توان گفت که احتمالش بسیار ناچیز است.

صرف نظر از این نکته، اهمیت مقاله در آنجاست که تجربه‌های را بررسی می‌کند که نویسنده خود از نزدیک درگیر آن

مستقیم قلب استثمار سرمایه‌داری را نشانه رفته، و غالباً روند تولید و گردش کالا را، که برای سرپا نگه داشتن رژیمهای نئولیبرال حیاتی است، فلج می‌نماید. نمایش با شکوه قدرت سیاسی نهفته در تسخیر پارلمان اکوادور به توسط سرخپوستان، و نفوذ نیرومند FARC در تقریباً نیمی از مناطق کلمبیا، و نمایش قدرت MST در بیست و سه ایالت از بیست و چهار ایالت برزیل خط بطلان بر تزه‌های نظریه پردازانی همچون هابسبام کشیده است.

یکی از جنبشهای اجتماعی جالب توجه و به ویژه با اهمیت معاصر جنبش کارگران شهری بیکار در آرژانتین است که موضوع مقاله حاضر می‌باشد. این جنبش که به روشنی بی پایگی نظریه سترون بودن توده‌های فقیر شهری را اثبات می‌کند، به خاطر اهمیت درسهایی که برای بقیه آمریکای لاتین (و مبارزه دیگر خلقهای جهان) می‌تواند داشت باشد، ارزش آن را دارد که از نزدیک مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

### شورش بیکاران در آرژانتین

یکی از دلایل عمده محوری بودن نقش طبقه کارگر صنعتی در هر تحول اجتماعی از نقطه نظر ارتدکسیهای مارکسیستی موقعیت استراتژیک این طبقه در پروسه تولید است. اما در شرایط اجتماعی معاصر، کوچک شدن نسبی طبقه کارگر صنعتی از یک سو، و از سوی دیگر رشد سرسام‌آور نیمه بیکاران، بیکاران و توده‌های حاشیه‌نشین شهری از جمله عوامل عمده عقب افتادن و یا حتی ناممکن شدن هر گونه تحول رادیکال اجتماعی معرفی می‌شوند. مارکسیست‌ها معتقدند که توده‌های فقیر شهری به واسطه ساختار اشتغال خرد خردشان، و هم چنین به واسطه دوری نسبی‌شان از بخشهای عمده اقتصادی، ظرفیت ایجاد اختلال در روند انباشت سرمایه‌داری را به نسبت زیادی از دست داده‌اند. به علاوه سرمایه‌داری از وجود این توده‌ها برای پایین نگه داشتن سطح دستمزدها و تقاضاهای کارگری سود می‌برد. نکته خنده‌دار در این جاست که جامعه‌شناسان دولتی و کارشناسان سازمانهای به اصطلاح غیر دولتی سعی نموده‌اند تا به ما بقبولانند که این تغییر ساختاری اشتغال امر خوبی است، زیرا به توده‌های شهری این فرصت را می‌دهد که از طریق فعالیتهای خرد، معاملات پایاپای و اقتصادیات روزگزاران به استقلال بیشتری دست یابند! واقعیت، اما، این است که فقدان اشتغال دائم، سقوط مداوم استانداردهای زندگی، رشد نابسامانیهای اجتماعی، افزایش

بقیه در صفحه ۱۷

سومین و در واقع تازه‌ترین موج جنبشهای اجتماعی آمریکای لاتین در مناطق شهری متمرکز است. این موج جدید، جنبش توده‌ای دینامیک کارگران بیکار آرژانتین، بیکاران و تهیدستان جمهوری دومینیک، حلبی‌آباد نشینهای ونزوئلا که به دور شعارهای پوپولیستی هیو شاوز (۲) گرد آمده‌اند را در بر می‌گیرد. علاوه بر جنبشهای شهری، جنبشهای جدید چند بخشی نیز در کلمبیا، مکزیک، برزیل و پاراگوئه ظاهر شده‌اند که در گیر و دار مبارزات توده‌ای، کارگران کشاورزی و کشتاورزان کوچک و میانه حال را متحد می‌سازند.

شیوه عمل، سرشت و نوع فعالیت سیاسی دومین و سومین موج از جنبشهای اجتماعی بر بسیاری از پیشگازدها و قالبسازیهایی علوم اجتماعی لیبرال و طالع‌بینیهای پسا مارکسی خط بطلان کشیده است. برای مثال، نویسندگان «جنبش نوین اجتماعی» مدعی‌اند که سیاست طبقاتی به پایان خنثی رسیده و اکنون در عصر جنبشهای مدنی، شهروند بنیاد و فرهنگی به سر می‌بریم که توجهش به طور عمده معطوف به دموکراسی، برابری جنسی و سیاست هویتی است. تئوریسینهایی مانند اریک هابسبام (۳) سعی کرده‌اند تا با توسل به بحث «جمعیت‌شناسیک» اهمیت جنبشهای دهقانی را در مبارزه سیاسی معاصر نفی کنند؛ و دیگران مدعی‌اند که توده‌های فقیر شهری، که یا به طور کامل از پروسه تولید جدا گشته‌اند و یا اشتغال کاذب و گهگاهی دارند، توان لازم برای به چالش کشیدن قدرتهای سیاسی مسلط را دارا نیستند.

اما انفجاری از جنبشهای دهقانی و توده‌های فقیر شهری در سراسر آمریکای لاتین برای تصاحب زمین و قدرت سیاسی، طلسم این گونه طالع‌بینیها را در هم شکسته است. این نظریه که لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی به مبارزات ایدئولوژیک توده نقطه پایان خواهد گذاشت با ظهور جنبشهایی مانند زاپاتیستها، دود شد و به هوا رفت. این جنبشها توانسته‌اند توده خلق را سازماندهی کرده و حاکمیت‌های پوسیده دهها ساله ارتجاعی را به لرزه بيفکنند؛ و در این روند هم چنین شکل جدیدی از دموکراسی مستقیم را ترسیم کنند. عمل



## مروری بر جنبش کارگران بیکار

بقیه از صفحه ۱۶

اما هنگامی که این تاکتیک‌های مسالمت‌آمیز به هیچ گرفته شد، آن گاه بود که بیکاران با توسل به عمل مستقیم دست به اشغال اداره‌های دولتی زده و در برخی موارد آنها را به آتش کشیدند. در ژوئن ۱۹۹۶ و آوریل ۱۹۹۷ بود که مسدود کردن جاده‌ها و بستن ورودی کارخانه‌ها از دو شهرک کیوتل کو و پلازا هونگال شروع شد. این تظاهرات هزاران نفر را برای اعتراض علیه بیکارسازی و تعطیلی کارخانه‌ها بسیج نمود. در اواخر دهه نود بود که مسدود کردن جاده‌ها در نواحی کارگرنشین بوینس ایرس، در اعتراض به بالا رفتن سرسام‌آور قیمت برق از سوی شرکت‌های برق که به بخش خصوصی واگذار شده بودند صورت گرفت. در سال ۲۰۰۰ تظاهرات وسیعی در دو شهر تیکوان و هونرال ماسکونی، که مراکز عمده تولید نفت کشورند، به راه افتاد. موج وسیعی از خصوصی‌سازی موجب بسته شدن کارخانه‌ها شده و بخش بزرگی از کارگران را به صف بیکاران منتقل ساخت؛ و دولت که سرگرم برآوردن خواسته‌های پایان‌ناپذیر صندوق بین‌المللی پول بود و مرتباً از سقف بودجه‌های دولتی می‌کاست، سرمایه‌گذارهای دولتی می‌کاست، نتوانست به هیچ کدام از وعده‌هایش برای ایجاد اشتغال عمل نماید. (ادامه دارد)

زیرنویس:

۱- برخی از اشکال دخالتگری ایالات متحده عبارتند از به اصطلاح «برنامه کوکاین»، ایجاد پایگاه‌های نظامی برای مدد رسانی فوری به رژیم‌های وابسته، نفوذ هر چه بیشتر پلیس و ارتش در زندگی روزمره مردم و نظامی کردن برخوردهای اجتماعی از طریق برنامه‌هایی هم چون «طرح کلمبیا» و «ابتکار آند»، (برگرفته از مقاله دیگری به قلم نویسنده با عنوان «تجاوزگریهای ایالات متحده در آمریکای لاتین م»)

۲- Hugh Chavez رئیس جمهور پوپولیست ونزوئلا، که اخیراً سازمان جاسوسی آمریکا سعی کرد توسط عملیاتش در ارتش ونزوئلا علیه وی کودتا کند. اگر چه کودتاچیان در آغاز موفق شدند که برای مدت کوتاهی قدرت را به دست بگیرند، اما تظاهرات و شورشهای خیابانی دامنه‌دار پس از سه روز رژیم کودتا را به زانو درآورد و شاور به قدرت بازگشت.

۳- Eric Hobsbawm

۴- Central de trabajadores Argentinos

## حمله شدید انتقادی به بوش

جان پیلگر روزنامه نگار برجسته استرالیایی مستقر در بریتانیا ضربه سختی به واشینگتن در صفحه اول روزنامه پرفروش میروور وارد آورد. او آمریکا را به عنوان یک کشور سرخ نامگذاری کرد و آمریکا را متهم نمود که بسیار بیش از آن چیزی که در مرکز تجارت جهانی کشته شدند، زندگی شهروندان افغانی را گرفته است. روزنامه مقاله پیلگر را به عنوان سوگواری در ۴ ژوئیه با سرتیتر زده است.

پیلگر روزنامه نگار و سازنده فیلم مستند که به خاطر کارش برنده جایزه جهانی شده است، بوش را به خاطر زیر علامت سؤال بردن قوانین بین‌المللی و سیاست ابتدا بمباران کن و بعد تحقیق کن در افغانستان متهم نمود. او نوشت: "در حال حاضر، آمریکا با توجه به شیوه سیستماتیک آدمکشانه‌ی که ارتش آمریکا در افغانستان عمل نموده است، اولین کشور سرخ جهان می‌باشد".

پیلگر به نقل از بررسی دانشگاه نیو همپشیر در آمریکا گفت، بین ۷ اکتبر و ۱۰ دسامبر، حداقل ۳۷۶۷ شهروند افغانی در بمبارانهای آمریکا کشته شدند. پیلگر گفت، در حال حاضر تخمین زده می‌شود که تعداد کشته‌ها از ۵۰۰۰ گذشته باشد، یعنی چیزی تقریباً ۲ برابر کشته‌های ۱۱ سپتامبر پیلگر هم چنین انگیزه واقعی پشت دخالت نظامی افغانستان را مورد سؤال قرار داد. او نوشت: "بتناسیل گسترده منابع انرژی در آسیای مرکزی برای آمریکا که اقتصادش مشکلات عمیقی دارد، حیاتی است. به طور خاص برای دولت بوش که منافع صنعت نفت بر روی آن تسلط دارد".

پیلگر نویسنده بسیار قدرتمندی می‌باشد. او یکی از اولین روزنامه نگاران بود که جنایات غیرقابل تصور خمرهای سرخ را افشا نمود و انگشت خود را به سمت حامیان غربی پول پت نشانه رفت او فعال بی‌قراری است که به دنبال جنبه‌های برجسته سیاست خارجی غرب می‌باشد که بسیاری از مردم خواهان شنیدن آن نیستند. او اخیراً توجه خودش را در باره مرگ شهروندان عادی عراقی که بر اثر تحریم فلج کننده بین‌المللی کشته شده اند، متمرکز کرده است.

بعد از حمله‌های ۱۱ سپتامبر، پیلگر سریعاً ترور شهروندهای عادی آمریکاییان را با مرگ روزانه شهروندان عراق، فروش سلاح به رژیم‌های سرکوبگر، تأمین مالی مجاهدین افغانی افراط‌گرا توسط سازمان سیا به طور مخفیانه و توزیع ناعادلانه ثروت مقایسه کرد.

خبرگزاری فرانسه ۱۳ تیر ۸۱

## اعلامیه بوش علیه رژیم

رادیو آمریکا ۲۲ تیر: در سراسر تاریخ، ما شاهد قدرت این فکر ساده بوده ایم که وقتی به مردم حق انتخاب داده شود، آزادی را انتخاب خواهند کرد. همان طور که در چند روز گذشته شاهد بوده ایم، مردم ایران خواهان همان آزادیها، حقوق بشر و فرصتهایی هستند که مردم گوشه و کنار جهان مایل به داشتن آن هستند. دولت آنها باید به امیدها و خواست آنها گوش کند. در دو انتخابات اخیر ریاست جمهوری و تقریباً در ۱۱ انتخابات مجلس و شوراهای شهر، اکثریت عظیمی از ملت ایران، رأی به اصلاحات سیاسی و اقتصادی دادند. با این حال گروه غیرمنتخبی که حاکمان واقعی ایران هستند، به این صداها گوش نمی‌کنند.

سیاستهای مصالحه‌ناپذیر و مخرب ادامه یافته است و در زندگانی روزانه مردم ایران تغییر بسیار اندکی روی داده است. دانشجویان ایرانی، روزنامه نگاران و نمایندگان مجلس به خاطر طرفداری از اصلاحات یا انتقاد از رژیم حاکم هم چنان دستگیر و مرعوب و با آنان بدرفتاری می‌شود. نشریات مستقل سرکوب می‌شوند و دانشجویان و متخصصین با استعداد با شیخ دوگانه مشاغل بسیار اندک و محدودیتهای بسیار زیاد در آزادیهای خود رو به روهستند و به جرم آن که در داخل کشور به بنای آینده ایران کمک کنند، در خارج به دنبال فرصتهای شغلی بوده اند. در عین حال اعضای رژیم حاکم و خانواده‌های آنان ضمن برخورداری از امتیازات و مزایای غیرعادلانه، کماکان به سد کردن راه اصلاحات ادامه می‌دهند. ایران سرزمینی باستان و جایگاه فرهنگی پرافتخار با میراثی غنی از معرفت و پیشرفت است. آینده ایران توسط مردم ایران تعیین خواهد شد. در حال حاضر مردم ایران با این سؤالات دشوار دست به گریبانند که چگونه یک جامعه مدرن در قرن ۲۱ بنا کنند که هم مسلمان هم کامیاب و هم آزاد باشد. تاریخچه دیرینه بی‌از دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران وجود دارد در حالی که ملت ایران به سوی آینده قرین آزادی و مدارای بیشتر گام بر می‌دارد، دوستی بهتر از آمریکا نخواهد داشت.

## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۲۹)

- اسماعیل وفا یغمایی

### سلسله غوریان

۵۴۳ - ۶۱۲ هجری، ۱۱۴۸ - ۱۲۱۵ میلادی

۱ - ملک سیف الدین سوری غوری ۵۴۳ - ۵۴۴ هجری . او فاتح غزنین بود. ملک سیف الدین غوری در سال ۵۴۴ هجری با هجوم مجدد بهرامشاه غزنوی در غزنه با وضعی فجیع به قتل رسید.

۲ - ملک علاءالدین جهانسوز غوری ۵۴۴ - ۵۵۶ هجری . او به انتقام خون برادرانش غزنین را هفت روز کشتار کرد و به آتش کشید و اجساد شاهان غزنوی را از گور بیرون کشید و سوزاند و لقب «جهانسوز» یافت. جهانسوز در اواخر عمر به دعوت مبلغان اسماعیلی مذهب اسماعیلی اختیار کرد .

۳ - ملک سیف الدین محمد ابن غوری ۵۵۶ - ۵۵۸ هجری . او بر خلاف پدرش دستور کشتار اسماعیلیان را صادر کرد و در میدان جنگ به دست سپهسالار خودش به ضرب نیزه مورد حمله قرار گرفت و زخمی شد و ترکان غز او را کشتند .

۴ - ملک غیاث الدین غوری ۵۰۰ - ۵۵۸ هجری . دوران او به جنگ‌های متعدد گذشت و مرزهای حکومت غوریان از جانب مغرب و جنوب غربی و با فتح پوشنگ ، سیستان ، جوزجان ، کرمان و مرورود وسعت یافت .

۵ - ملک معزالدین غوری ۵۹۹ - ۶۰۲ هجری . او پس از جنگ‌های بسیار، در سال ۶۰۲ هجری با بیست و دو ضربه کارد به دست فداییان اسماعیلی کشته شد.

۶ - ملک غیاث الدین محمود ابن غیاث الدین غوری ۶۰۲ - ۶۰۷ هجری . او در سال ۶۰۷ قدرت کشته شد .

۷ - ملک بهالدین سام غوری ، ۶۰۷ - ۶۰۷ هجری او به دست علاءالدین اتسز از سلطنت خلع شد.

۸ - ملک علاءالدین اتسز غوری ، ۶۰۷ - ۶۱۰ هجری . او پس از سه سال فرمانروایی در سال ۶۱۰ هجری به قتل رسید.

۹ - ملک علاءالدین محمد ابن شجاع الدین علی غوری ۶۱۰ - ۶۱۲ هجری . دو سال حکومت کرد و حکومت غوریان با او به دست خوارزمشاهیان بر چیده شد.

### در باره غوریان

غور ناحیه کوهستانی وسیعی میان غزنه و هرات در افغانستان کنونی بوده است. این ناحیه سر چشمه رودهای هیرمند، مرغاب و هریرود است. غوریان از این ناحیه برخاستند. آنان مردمی کوه نشین و جنگجو بودند که به مناسبت وضع کوهستانی سرزمین خود نوعی استقلال داشتند و خود را از نژاد ضحاک ماردوش ایزادشاهان تاریخ دور دست و آمیخته با اساطیر ایران می‌دانستند. غوریان اگر چه در ابتدا تابع غزنویان بودند ولی سرانجام خود موفق شدند حکومتی قدرتمند تاسیس کنند که مدتها در جدال با غزنویان و سلجوقیان بود. پایتخت اصلی غوریان شهر فیروز کوه در ناحیه غور بود . از زمره نه تن از فرمانروایان سلسله غوریان پنج تن از آنان در کشاکش بر سر قدرت به قتل رسیدند .

### سلسله خوارزمشاهیان

۴۹۰ - ۶۲۸ هجری، ۱۰۹۷ - ۱۲۳۱ میلادی

۱ - قطب الدین محمد انوشتهکین (خوارزمشاه اول) ۴۹۰ - ۵۲۲ هجری . او در سال ۴۹۰ هجری به دستور حکمران خراسان التوتناق سمت خوارزم شاهی یافت و به خوارزم رفت و در آنجا مستقر گردید و حکومت خوارزم - خوارزم شاهی - در خاندان او موروثی گردید.

۲ - علاءالدوله ابوالمظفر اتسز ابن محمد (خوارزمشاه دوم) ۵۲۲ - ۵۵۱ هجری . او در طول سی سال حکومت خود تابع سلطان سنجر سلجوقی بود. بخش دوم سلطنت او به جنگ با سلطان سنجر گذشت. علاءالدوله جنگاوری دلیر بود و شماری از شاعران مشهور مانند رشید وطواط، خاقانی و ادیب صابر معاصر او بوده و او را مدح گفته اند . او در قوچان در گذشت .

۳ - ابوالفتح ایل ارسلان ابن اتسز (خوارزمشاه سوم) ۵۵۱ - ۵۶۷ هجری . او خدمتگزار و وفادار به سلجوقیان باقی ماند فتح بخارا و سمرقند و جنگ با قراختاییان از وقایع دوران حکومت اوست .

۴ - جلال الدین محمود سلطانشاه ابن ایل ارسلان (خوارزمشاه چهارم) ۵۶۷ - ۵۶۸ هجری . او به کمک مادرش ترکان خاتون فقط چند ماه حکومت کرد و به دست برادرش تکش و با هجوم سپاهیان قراختاییان از سلطنت خلع شد و تکش زمام حکومت خوارزم را در دست گرفت.

۵ - سلطان علاءالدین تکش ابن ایل ارسلان (خوارزمشاه پنجم) ۵۶۸ - ۵۹۶ هجری . او با به زیر کشیدن برادرش از تخت سلطنت و سرانجام با قتل

ترکان خاتون که در پی تاج و تخت خوارزم بود بر تخت سلطنت نشست او پس از جنگ‌های فراوان با قراختاییان و سایر مدعیان سرانجام نام سلطان بر خود نهاد و سلسله سلجوقیان را بر انداخت و چنان قدرتی به دست آورد که خلیفه وقت برای او خلعت فرستاد اما به زودی میان او و خلیفه اختلاف افتاد و لشکر کشی میان خوارزمشاهیان و لشکران خلیفه شروع شد. این ماجرا تا مدتها ادامه داشت و سرانجام خلیفه ناصر متوجه شد توان مقابله با نیروهای خوارزمشاه را ندارد و با او از آشتی در آمد. پس از آن روزگار خوارزمشاه پنجم تا پایان عمر به جدال با اسماعیلیان و تلاش برای تسخیر دژهای آنان گذشت.

۶ - سلطان علاءالدین محمدابن علاءالدین تکش (خوارزمشاه ششم) ۵۹۶ - ۶۱۸ هجری . او پس از سرکوب مدعیان خانوادگی سلطنت و فتح مازندران و کرمان و انقراض قراختاییان و گسترش مرزهای حکومت خود نام خلیفه را از خطبه انداخت. ممالک تحت سلطه او سرانجام با ممالک تحت سلطه مغولان هم مرز شد و این آغاز یکی از غم انگیز ترین ادوار تاریخ ایران و مردم ایران است.

سلطان محمد خوارزمشاه پادشاهی قدرتمند و بسیار مغرور و جبار بود. دوران او دوران گسترش مرزهای دولت خوارزمشاهیان ، دخالت ترکان خاتون مادرجه طلب و مقتدر سلطان در تمام امور مملکتی، قتل شیخ مجد الدین بغدادی عارف نامدار به اتهام ارتباط عاشقانه با ترکان خاتون ، بازچه قرار گرفتن فداییان اسماعیلی علیه خوارزمشاه توسط دستگاه خلافت ، توطئه های روحانیون و فشار فوق العاده اقوام و نزدیکان ترکان خاتون بر مردم است . خوارزمشاه ششم سرانجام در هجوم سیل خانمان برانداز مغولان و پس از شکستهای پی در پی، در حال گریز ، در شوال سال ۶۱۷ هجری درجزیره آبسکون در دهانه نهر گرگان ، پسرش جلال الدین را به جانشینی برگزید و خود به دلیل بیماری ذات الجنب و اندوه اسارت زنان و دخترانش به دست مغولان و تقسیم و روانه شدن آنان به حرم چنگیزخان و سرداران مغول در گذشت و با لباس یکی از همراهانش کفن گردید و به خاک سپرده شد . بعدها سلطان جلال الدین خوارزمشاه جسد او را به قلعه اردهن منتقل کرد و در آنجا به خاک سپرد . پس از پایان کار جلال الدین ، او کنای قا آن دستور داد استخوانهای خوارزمشاه ششم را از خاک بیرون آوردند و سوزاندند.

۷ - جلال الدین منکبرنی (خوارزمشاه هفتم) ۶۱۷ - ۶۲۸ هجری . پس از فرار سلطان محمد خوارزمشاه ، جلال الدین

به جانشینی او بر گزیده شد ، اما ترکان خاتون قصد داشت برادر جلال الدین ، اوزلاغ شاه را به پادشاهی برساندو به همین سبب در صدد قتل جلال الدین برآمد ، جلال الدین به خراسان گریخت و در شرایطی بسیار حساس و پر آشوب دخالت ترکان خاتون اوضاع را به نفع مغولان وخیم تر کرد.

جلال الدین خوارزمشاه شخصیتی شگفت داشت . او یکی از شجاعان و جنگاوران کم نظیر روزگار بود که در میدان جنگ ترس نمیشناخت . نوشته اند که در جنگ سند - وپس از آنکه تمام زنان و دختران حرم برای آنکه به دست سپاهیان مغول اسیر نشوند به آب انداخته شوند و غرق شدند - جلال الدین با شماری اندک به صفوف مغولان حمله برد . چنگیز خان که شاهد شجاعت و جنگاوری جلال الدین بود به فرزندانش گفت شجاعت و جنگاوری را باید از این سلطان آموخت و چون جلال الدین خود را به آب زد چنگیز دستور داد از تیر اندازی به طرف او خود داری کنند.

جلال الدین در بیرحمی و خونریزی مانند پدر خود بود ودر مجلس عیش و طرب ، نوشیدن شراب و مجالست زنان همه چیز را به فراموشی می‌سپرد . خوارزمشاه هفتم سالیان متمادی با مدعیان مختلف و مغولان جنگید . جنگ پروان درحوالی غزنین، جنگ سند ، فتح شوشترو بصره ، فتح آذربایجان و اران، فتح و قتل عام تفلیس ، جنگ اصفهان ، فتح اخلاط ، فتح گنجه ، از زمره نبردهای او در این سالهاست . جلال الدین خوارزمشاه سرانجام در سال ۶۲۸ هجری ، ۱۲۳۱ میلادی، دردیار بکر از مغولان شکست خورد و هنگام فرار و سرگردانی، در کوه‌های اطراف میافارقین به دست جماعتی از کردها که به لباس و سلاح و اسب او چشم داشتند به قتل رسید .

تا حدود سی سال پس از قتل او بسیاری از مردم مرگ او را باور نداشتند و در باره بازگشت مجدد او افسانه های گوناگون بر زبانها بود . در این باره از جمله گفته میشود که سلطان جلال الدین کشته شده و در جامه درویشی دوره گرد در حال گشت و گذار است و روزی دوباره ظهور خواهد کرد . جنگاوریها و دلاوریهای جلال الدین درمیدانهای نبرد ، برنقاط منفی و تاریک شخصیت او پرده افکنده و در فرهنگ مردم از او سیمایی مثبت ساخته بود . با قتل جلال الدین خوارزمشاه دولت خوارزمشاهیان منقرض شد و ایران در عبور از گذرگاههایی از اجساد میلیونها کشته و شهرها و روستاهای ویران و سوخته تا مدتها تحت حاکمیت مغولها قرار گرفت.

(ادامه دارد)

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگ، نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۱۷ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۲۴ دلار
استرالیا	۴۰ دلار
تک شماره	۱۱ دلار
فرانسه	۱۱ یورو

## آدرس نبرد خلق

## در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

## جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

## جنگ صدا

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر هفته

را بر روی شبکه اینترنت گوش کنید

http://www.jonge-seda.com

## از میان نامه‌ها

بقیه از صفحه ۱۴

می پردازد. و قضاوت بر سر کیفیت و یا تکراری بودن مطالب نبرد خلق را به خوانندگان آن واگذار می کنیم. اما در مورد درج مطالب آقای یغمایی، که تا به حال مورد استقبال هم قرار گرفته است، به اعتقاد دست اندرکاران نبرد خلق، آگاهی به تاریخ ایران، یکی از مسائل مهم برای شناخت و نگاهمان به مسائل روز است، بدین علت این مطالب را چاپ می کنیم. بسیاری از فعالان جنبش انقلابی در حالی که در بسیاری از موارد غرق در آثار رهبران انقلاب چین، روسیه و یا دیگر نقاط هستند، از تاریخ ایران و جنبشهای بزرگی که آثار آن هنوز هم در اندیشه و روان ایرانیان باقی مانده چیزی نمی دانند. طبیعی است که مطلب جدید، چه هنری و ادبی و چه تاریخی که کمک به روشن شدن چشم اندازهای آینده کند، استقبال کرده و می کنیم. و گذشته از این سعی کرده ایم که مطلب رسیده برای نبرد خلق از طرف خوانندگان نبرد خلق را منعکس کنیم.

## در آیین ۱۸ تیر

-- مرعشی

اگر قیام دانشجویی و مردمی ۱۸ تیر را به عنوان یک برش اجتماعی جامعه فعلی ایران به آزمایشگاه ببریم و آن را کمی کالبدشکافی کرده و یا زیر ذره بین بگذاریم و اندکی تجزیه و تحلیل کنیم و نظری اجمالی به آن افکنیم خواهیم دید چون آیینهای گویای بسیاری مسائل و راه حلهای جامعه ماست. ماهیت و عملکرد رژیم حاکم با تمام دسته بندیهایش، خواسته های فوری و مبرم، شیوه های دستیابی به این خواسته ها، راههای مبارزه برای رسیدن به این حقوق، مواضع فرصت طلبان، سازشکاران و میوه چینان و را می توان چنین خلاصه کرد.

۱- در آیین ۱۸ تیر می توان دید رژیمی حاکم بر مین ما یک رژیم عقب مانده قرون وسطایی است که اساساً زبان و شیوه پاسخ دادنش به خواسته ها، نیازها و مشکلات جامعه و مردم ما زبان زور، سرکوب و قتل و کشتار همراه با شیادگری مذهب است، این خصلت عام این رژیم در تمامیتش با هر جناح و دسته ای از راس تا ذیل می باشد. این را در طول بیش از دو دهه به هزار بیان و عمل رژیم از خود نشان داده است.

و مردم در مقابل آن را نه تنها در تئوری بلکه با پوست و گوشت خود و روزمره لمس کرده اند و می دانند و طبعاً بر اساس همین ماهیت و عملکرد است که شیوه مبارزه چه در تاکتیک و چه در استراتژی به مردم و نیروی انقلابی و سازمان یافته مردمی تحمیل می شود. حالا مردمی که خواهان دستیابی به حق و حقوق خود هستند راهی ندارند الا کنار زدن سد دیکتاتوری مذهبی با شیوه های مناسب به هر قیمت و بهایی که البته سخت و سنگین است.

۲- در شعارها و حرکت ۱۸ تیر به روشنی مردم خواستار آزادی و رسیدن به آن با نفی رژیم (ریش و پشم) و به شیوه های قهرآمیز و البته با تکیه بر این شیوه به کار گیری و استفاده از تمام شیوه های دیگر، با هوشیاری انقلابی.

«آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه»، «توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد»، «می کشم می کشم آن که برادرم کشت»

۳- در آیین ۱۸ تیر ماهیت و سرشت حرکتی رادیکال و انقلابی را می توان دید. که در مسیر رو به جلوی خود، فرصت طلبان، سازشکاران و را چون علفهای هرز و بی بته به دور می ریزد و بی اعتنا به همه تلاشهای فریبکارانه آنها به پیش می رفت و می رود. هوشیاری و تیزبینی انقلابی دانشجویان و مردم ما در ۱۸ تیر نشان داد که هرگز عوامل ضد انقلابی غالب (شیخ) و بازماندگان مغلوب (شاه) در هیچ شکل و شمایلی نمی توانند انقلاب نوین مردم ایران را به انحراف برده یا در نطفه خفه کنند، یا آن را در جیب گشاد خود بریزند.

به راستی قیام سه سال پیش و امسال ۱۸ تیر و قیامها و اعتراضهای مختلف مردمی رنگ و بوی بسیار دل انگیز و شورانگیز دارد. و در حرکت و شعارها و خواسته ها همان راهی را رفته و می رود که نیروی سازمان یافته، مردمی و انقلابی این خلق تاکنون طی کرده است. و این بیان کننده رابطه ارگانیک و متقابل و تنگاتنگ این دو می باشد که یک خواست و هدف دارند.

هدفی که خواست و نیاز مبرم و فوری جامعه امروز ماست. در آغاز هزاره سوم و پس از این همه رنج و

تلاش، مردم ما حق دارند و باید خودشان بر سرنوشت خود حاکم باشند. دیکتاتوری مذهبی را باید با قهر انقلابی به آتش کشید و محکم بر دست استعمار و عوامل آن (از جمله عوامل رژیم گذشته و جناحهای درونی رژیم) کوبید. منافع و منابع و امکانات مردم ایران برای مردم ایران با حاکمیتی مردمی. شعله مقاومتی که حدود ۲ دهه است با جان و هستی فداکارترین و انقلابی ترین فرزندان این آب و خاک روشن نگاه داشته شده است روزی سراسر ایران را خواهد گرفت. و مردم به خواسته ها و آرزوهایشان خواهند رسید. به امید آن روز

## ایران در رسانه های جهان

## رژیم ایران در حال سقوط در

## عمیقترین بحران سیاسی از زمان انقلاب

## تاکنون است

-خبرگزاری فرانسه ۲۰ تیر: با شوک ناشی از استعفای یک روحانی برجسته، اعتراضات خیابانی و حملات علیه روحانیت که اخیراً به دنبال یکدیگر بوقوع پیوسته است، رژیم ایران در حال سقوط به سمت عمیقترین بحران خود از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ می باشد، به ویژه، داریوش عبدلی یک تحلیلگر سیاسی گفت: "جنگ شروع شده است، جنگی که دامن همه حتی روحانیت را خواهد گرفت." وی اضافه نمود، "شکاف" بین عوامل اصلی محافظه کار و اصلاح طلبان باز شده است. در هفته های اخیر مجموعه ای از حوادث باعث افزایش تفرقه در میان محافظه کاران و اصلاح طلبان شده است و برای اولین بار است که روحانیت شیعه قدرتمند کشور ساکن شهر مقدس قم دچار راهمه و وحشت شده است. استعفای طاهری با حمله آتشین علیه محافظه کاران بانفوذ حاکم که اتوریته هیچ کس را نمی پذیرند، مقارن شد.

## طوفان سیاسی در ایران

-سایت بی بی سی ۲۰ تیر: به دنبال استعفای بیت الله جلال الدین طاهری یک روحانی برجسته در روز چهارشنبه، طوفان سیاسی در ایران اوج یافته است. طاهری شیوه اداره کشور را محکوم نمود. شورای عالی امنیت ملی که قدرت تصمیم گیری بر روی مسائل کلیدی ملی دارد روزنامه های ایرانی را ممنوع نموده که درباره این مسئله چیزی بنویسند. این مسأله موجب افزایش فضای درگیری بین اصلاح طلبان و سخت سران در داخل رژیم اسلامی شده است استعفای دراماتیک طاهری موجب تمرکز درگیری فزاینده بین اصلاح طلبان و سخت سرانی که قویا در مواضع روحانی سنگر گرفته اند، به روی این موضوع شده است این اختلافات منعکس کننده نگرانی فزاینده میان برخی از روحانیون می باشد. این روحانیون نگران هستند در صورتی که به انتظارات میلیونها تن که مستمراً خواستار اصلاحات و تغییرات طی ۵ سال گذشته می باشند، پاسخ ندهند با مخالفت های مردم روبرو خواهند شد.

# NABARD - E - KHALGH

No : 206 23. July . 2002 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 9458 / 1006 Amsterdam / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Köln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

## شهادت فدایی مرداد ماه

رفقا: زین العابدین  
رشتچی - غلامرضا  
بناژاد- حسین الهیاری -  
محمد صفاری آشتیانی -  
عباس جمشیدی  
رودیاری - داریوش  
شفائیان - عباسعلی  
شریفیان - قدرت الله  
شاهین سخن - فرزاد  
صیامی - عبدالکریم  
عبدالله پور - فرامرز  
شریفی - فرخ سپهری -  
مهدی فضیلت کلام -  
مهدی یوسفی - حسن  
کهل - ابراهیم جلالی -  
فیروز صدیقی - ونداد  
ایمانی - گودرز همدانی  
- جهانبخش پایداری -  
جمیل اکبری آذر -  
جمشید پورقاسمی -  
مرتضی (امیر) فاطمی -  
محمدرسول عزیزیان -  
بیژن مجنون - هادی  
حسین زاده کرمانی -  
زهرا فرمانبردار- عظیم  
سرعتی - مسعود  
جعفرپور- فریدون شافعی  
- جواد کاشی - یوسف  
کیشی زاده - احمد زبیرم  
- سعید میرشکاری -  
هرمز گرجی بیانی -  
ابوالقاسم رشوند  
سرداری، از سال ۵۰  
تاکنون در مبارزه علیه  
امپریالیسم و ارتجاع به  
دست مزدوران رژیمهای  
شاه و خمینی به شهادت  
رسیدند، یادشان گرامی  
باد

## پیام تسلیت

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری  
ایران  
رفقای گرامی  
با تأسف و تأثر بسیار، درگذشت و فقدان  
زنه‌یاد منصور حکمت را به شما و به  
تمامی یاران و هم‌زمان او، به همسرش  
خانم آذر ماجدی و به فرزندان و  
خانواده‌اش تسلیت می‌گویم.

مهدی سامع

سختگوی سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۴ تیر ۱۳۸۱ ۵ ژوئیه ۲۰۰۲

## تحریم هشت کمپانی چینی به دلیل فروش سلاح به ایران

خبرگزاری فرانسه ۲۸ تیر: روزنامه  
واشنگتن تایمز گزارش کرد، ایالات متحده  
تصمیم گرفته است به خاطر فروش  
سلاحهای بی ثبات کننده و مواد سلاحهای  
میکربی به ایران، تحریمهای اقتصادی  
مشخصی را در مورد هشت کمپانی چینی  
تصویب کند. این گزارش گفت، این تحریمها  
اساساً طی چند روز آینده اعلام خواهد شد و  
شامل سه کیس قرارداد فروش تسلیحات  
پیشرفته و اجزای سلاحهای شیمیایی و  
بیولوژیکی به ایران می‌شود. واشنگتن  
تایمز به نقل از یک مقام وزارت خارجه  
آمریکا که نامش را نبرده گفت، این  
قراردادها بین سپتامبر ۲۰۰۰ و اکتبر ۲۰۰۱  
بسته شده است و معاهده عدم تکثیر سلاح  
هسته‌ای با ایران و عراق را نقض نموده  
است. بنابه این گزارش، وزارت خارجه روز  
پنجشنبه در رابطه با این تحریمها به دولت  
چین تذکر داده است.

## بچه ماهواره ای ها در اصفهان اغتشاش کردند

روزنامه کیهان ۱۹ تیر: عصر دیروز گروهی  
از جوانان که به " بچه ماهواره ای " لقب  
گرفته بودند، در اصفهان اغتشاش به پا  
کردند. مقارن ساعت ۱۹ عصر دیروز یک  
کانون ۱۰۰ نفره از جوانان اصفهانی در  
میدان آزادی اصفهان ( دروازه شمیران )  
دست به یک تجمع غیرقانونی زدند و سپس  
به طرف چهارباغ به راهپیمایی پرداختند.  
راهپیمایان که قصد داشتند مسیر دروازه  
شیراز تا چهارراه تختی را طی کنند در  
محل چهارراه نظر با پلیس ضدشورش  
مواجه شدند. راهپیمایان که با کف زدن  
شعارهایی سر می‌دادند و با پلیس درگیر  
شدند و نیروهای پلیس نیز تلی چند از آنان  
را که نظم شهر را به هم زده و موجب سلب  
آسایش و ایجاد ناآرامی شده بودند دستگیر  
کرد.

به گزارش خبرنگار ما، این حرکت در ساعت  
۲۰ و ۱۵ دقیقه شب باعث شد تا تردد  
اتومبیل‌ها در مسیر چهارباغ بالا به طرف  
دروازه شیراز به کندی صورت پذیرد. گفته  
می‌شود، در این ناآرامی‌ها حدود ۴۰ نفر  
دستگیر شده‌اند.

## ۴۵ دختر و پسر به اتهام شرکت در یک میهمانی محاکمه شدند

روزنامه ایران ۲۴ تیر: ۴۵ دختر و پسر در  
یک پارتی شبانه که تحت عنوان جشن  
تولد، در یک آپارتمان واقع در منطقه قیطریه  
تهران برگزار شد، دستگیر شدند. متهمان بین  
۱۷ تا ۲۶ سال سن دارند. دادگاه پس از  
محاکمه متهمان چندتن از عاملان اصلی  
برگزاری این پارتی شبانه را با قرار تامین  
مناسب روانه زندان کرد. بقیه متهمان را به  
تحمل شلاق و پرداخت جزای نقدی  
محکوم کرد.

## حمایت ۴۵۰ تن از اعضای مجلس نمایندگان و اعیان انگلیس در حمایت از شورای ملی مقاومت

رادپو فرانسه ۲۷ تیر: بر اساس گزارشی که  
دقایقی پیش از لندن مخابره شد، ۴۵۰ تن از  
اعضای مجلس نمایندگان و اعیان انگلستان با  
امضای طوماری از تونی بلر نخست وزیر این  
کشور خواستند حمایت از مخالفین حکومت  
اسلامی را به علت حمایت رژیم تهران از  
تروریسم، در دستور کار خود قرار دهد. ۳۳۱ تن  
از اعضای مجلس نمایندگان و ۱۲۲ تن از  
نمایندگان مجلس اعیان انگلستان این طومار  
را امروز در لندن طی یک کنفرانس مطبوعاتی  
با حضور یک نماینده شورای ملی مقاومت در  
اختیار ارباب جراید قرار دادند. در این طومار  
توصیه شده است به دولت لندن که تا زمانی  
که ملاها در ایران حکومت می‌کنند، تروریسم  
ادامه خواهد داشت.

## مجازات مرگ از طریق پرتاب از کوه

روزنامه حکومتی نوروز امروز خبر داد که یک  
جوان در تهران به نام محمد به اعدام از طریق  
پرتاب از کوه محکوم شده است. هدف  
آخوندهای حاکم از مجازاتهای وحشیانه نظیر  
درآوردن چشم، قطع دست و پا، سنگسار و  
پرتاب از کوه که دادگاههای رژیم آخوندی  
همچنان به صدور آن ادامه می‌دهند، افزایش  
جو رعب و وحشت و جلوگیری از گسترش  
اعتراضها و تظاهرات ضدحکومتی است.

آمار اعدامهای اعلام شده توسط روزنامه‌های  
حکومتی از آغاز سال ۲۰۰۲ به ۲۲۷ مورد می  
رسد و این در حالی است که تعداد اعدامهای  
مخفیانه که قربانیانش را اساساً زندانیان  
سیاسی تشکیل می‌دهند، بیش از این است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۷ تیر ۱۳۸۱